

# آفتاب

دکتر مرتضیٰ طاهری

در نگاه

# خورشید

جلوه‌های حضرت مهدی  
در کلام امام رضا

آفتاب  
در نگاه  
خورشید

---

دکتر مرتضی طاهری

چاپ اول / پاییز ۱۳۸۱ / تیراژ ۵۰۰۰۰ / انتشارات عهد



## آفتاب در نگاه خورشید

دکتر مرتضی طاهری

انتشارات دلیل ما

چاپ نگارش

چاپ اول ناشر: ۳۰۰۰ نسخه

بهار ۱۳۸۲

قیمت ۶۰۰ تومان

شابک: X - ۲۶ - ۷۹۹۰ - ۹۶۴ - ISBN

آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۲۹، پلاک ۴۴۸

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳

صندوق پستی ۱۱۵۳ - ۳۷۱۳۵

مرکز پخش: تهران، میدان ۱۵ خرداد، کتابفروشی مسجد ارک

تلفن ۳۹۲۷۴۱۲



طاهری، مرتضی  
آفتاب در نگاه خورشید / مرتضی طاهری. - قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.  
۱۴۴ ص.  
ISBN 964 - 7990 - 26 - X  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
Sunlight in the words of the sun.  
ص. ع. به انگلیسی:  
کتابنامه: ص. [۱۴۱] - ۱۴۲.  
۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم (عج)، ۲۵۵ - ۲. مهدویت. الف. عنوان.  
BP۵۱ / ط ۲۷  
۲۹۷ / ۹۵۹  
م ۸۱ - ۴۹۷۰۲  
کتابخانه ملی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کاوشی در کلمات گهربار

**حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام**

**درباره امام عصر ارواحنا فداه**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي  
هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا  
وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا  
وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا  
وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

«... وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ  
بِالشَّمْسِ، إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ...»

«... وَأَمَّا شِيوَةُ بَهْرِهِ وَرَى مِنْ غَيْبَتِهِ، بَهْرُهُ بَرْدٌ مِنْ  
خُورْشِيدِ رَا مَانْدُ؛ أَنْ گَاهِ كِه اِبْرَهَا أَنْ رَا اَز دِيدگانِ پِوشَانْد...».

قسمتی از توقیعات امام عصر علیه السلام

به نقل از کمال الدین، صص ۴۸۲ - ۴۸۵

ای امان دوستان بی قرار

ای درخشان تر ز هر اختر... بیا

مهر رویت تا به کی پشت سحاب؟

ابر غیبت را بران، دیگر... بیا

## فهرست مطالب

- \* پیش‌گفتار ..... ۱۱
- \* هجران غیبت ..... ۱۹
- \* فراق محبوب ..... ۲۱
- \* رأفت بیکران حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۳
- ۱- آفتاب جهانتاب ..... ۲۵
- ۲- ماه درخشان ..... ۲۵
- ۳- آب گوارا ..... ۲۶
- ۴- رهنمای هدایت ..... ۲۷
- ۵- پدر دلسوز ..... ۲۷
- ۶- بهترین پناه ..... ۲۸
- \* شعر جانسوز ..... ۳۱
- \* نشانه‌های محبوب ..... ۳۳
- ۱- میلاد پنهانی ..... ۳۴
- ۲- پیوسته جوان ..... ۳۴
- ۳- خوش‌بوترین عطر ..... ۳۴
- ۴- چهره نورانی ..... ۳۵



- ۳۵ ..... ۵- سیمای جوانان
- ۳۵ ..... ۶- پیمودن گیتی
- ۳۷ ..... \* سیره حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۸ ..... ۱- میراث‌داری انبیا علیهم السلام
- ۴۰ ..... ۲- شباهت به انبیا علیهم السلام
- ۴۴ ..... ۳- ساده‌زیستی
- ۴۵ ..... ۴- کمال بینایی
- ۴۵ ..... ۵- توان راهبری
- ۴۶ ..... ۶- دعای مستجاب
- ۴۶ ..... ۷- قدرت جسمانی
- ۴۷ ..... ۸- خوی نیکو
- ۴۸ ..... ۹- فروتنی بی‌نظیر
- ۴۹ ..... \* دشواری‌های عصر غیبت
- ۵۰ ..... ۱- دین‌نگهداری
- ۵۳ ..... ۲- دین‌تراشی
- ۵۴ ..... ۳- شک و تردید
- ۵۴ ..... ۴- گسستن روابط
- ۵۵ ..... ۵- پناه‌جویی
- ۵۷ ..... \* شایسته‌ها و ناشایسته‌ها در عصر غیبت
- ۵۸ ..... ۱- نماز اول وقت
- ۵۹ ..... ۲- انس با قرآن

۶۰	۳- یاری رسانی
۶۱	۴- هشدار
۶۳	* وظایف شیعیان در عصر غیبت
۶۳	۱- شناخت امام <small>علیه السلام</small>
۶۶	۲- یاد و محبت امام <small>علیه السلام</small>
۶۸	۳- حبّ و بغض
۶۹	۴- برترین الگو
۷۲	۵- فرمانبرداری
۷۳	۶- رعایت ادب
۷۵	۷- احترام نسل پاکان
۷۵	۸- انتظار فرج
۷۶	۹- مهر محبوب
۷۹	۱۰- یاد محبوب
۸۰	۱۱- دعا برای محبوب
۸۴	۱۲- حضور دائم
۸۷	۱۳- نگاهبانی و پاسداری
۸۸	۱۴- تقیه و صبوری
۹۵	* فلسفه انتظار حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۰۱	* بشارت به یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۰۳	* رهبر جهانی
۱۰۳	الف: معرفی امام <small>علیه السلام</small>

- ب: غیبت امام علیه السلام ..... ۱۰۸
- \* نوید ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۱۵
- ۱- وعده قطعی ..... ۱۱۸
- ۲- ظهور ناگهانی ..... ۱۱۹
- ۳- ندای آسمانی ..... ۱۱۹
- ۴- عصر ظهور ..... ۱۲۰
- ۵- عدل راستین ..... ۱۲۱
- ۶- کوفه و پایتخت ..... ۱۲۲
- ۷- همنشینی با فرشتگان ..... ۱۲۲
- ۸- خون خواهی امام حسین علیه السلام ..... ۱۲۳
- \* نیایش خورشید ..... ۱۲۷
- \* فهرست آیات ..... ۱۳۳
- \* فهرست روایات ..... ۱۳۵
- \* منابع ..... ۱۴۱



## پیش‌گفتار

السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ

طلوعت را همه چشم انتظاریم      بستان، ای آفتاب دادگستر

نهان کردی چو مهر رویت ای مه      جهان شد تیره، چون خوی ستمگر

سخن از خورشید پنهان است؛ آن که به فرموده امام رضا علیه السلام : «... إذا

خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ...»<sup>۱</sup>؛

از چشمه ساری جوشان که از تشنه کامان به دور مانده؛

از شمشیر آخته یزدان که از نبود یاران در نیام خفته؛

از آن دست نیرومند خدایی که در آستین فرو رفته؛

از آن سمبل قطره‌های نقره فام اشک که از خشیت خدا فرو ریخته؛

از آن حماسه همیشه جاوید خون شهیدان کربلا، خدنگ در مشت

مانده.

آری، سخن از غیبت امام زمان علیه السلام است؛ از بزرگ مظلوم دوران؛

آن که یادش از خاطره‌ها فراموش شده است...

۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

همو که اگر کسی مهربانی‌های او را ببیند و قطره‌ای از زلال محبتش بچشد، دیگر فراموشش نخواهد کرد.

همو که هرکس به او پیوست از اغیار برید و سعادت دو دنیا را در کوی محبت او دید.

همو که مؤمنان را انیس و رفیق و شفیق است.<sup>۱</sup>

به راستی، چرا کسی که پدرش را، برادرش را، دوست مُشفق و دلسوزش را از یاد نمی‌برد، امام زمانش را به فراموشی می‌سپارد؟! مگر حقّ کدامین پدر افزون‌تر از حقوق امام زمان علیه السلام است؟! کدام برادر مهربانتر از اوست؟ دلسوزی چه دوستی بیشتر از دلسوزی‌ها و محبت‌های اوست؟

خود او خطاب به شیعیانش می‌فرماید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ».<sup>۲</sup>

ما در مراعات حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یادتان را از خاطر نمی‌بریم.

وقتی او - که ذخیره همه هستی، ثمره همه رسالت‌ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوگاه همه نیکویی‌ها و زیبایی‌هاست - هیچ‌گاه یاد ما را از خاطر نمی‌برد و در رعایت احوالمان هرگز کوتاهی نمی‌کند، آیا رواست فراموشی ما نسبت به آن امام مهربان یا از وفاست غفلت از آن جان جهان؟!

۱. برگرفته از سخنان امام رضا علیه السلام در وصف امام. (عیون اخبار الرضا علیه السلام)

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸.

هم او می‌فرماید:

«... وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَأَضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»<sup>۱</sup>.

... اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند.

آری، این او بود که به یاد ما بود و برایمان دعا کرد و در فتنه‌های بنیان‌سوز دوره غیبت، عنایت خویش را از ما دریغ نداشت، و همو بود که پایه استمرار حیات معنوی و تاریخی شیعه بود و هست و حقاً جفاست که حقوق آن بزرگوار را - چنان که باید - ندانیم و دفتر معرفتش را - چنان که شاید - نخوانیم.

اکنون... ای منتظر!

کمی تأمل کن و در اوج مقام معنوی امام زمانت بیندیش که او کیست و بزرگی کارش در چه حد است؟

گرچه حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین همه یک نورند و یک حقیقت و دارای یک سنخ ولایت - که فرموده‌اند: «كُلُّهُمْ نُورٌ وَاحِدٌ» - وجود اقدس حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء دارای امتیازاتی است و برنامه آن بزرگوار را ویژگی‌هایی است که باعث شده چشم امید همه، حتی پیامبران و ائمه هدی علیهم‌السلام به او دوخته شود و اهمیت ظهورش به قدری است که پیوسته دودمان امامت و ولایت، در گفتار و رفتارشان، از آن حضرت به بزرگی یاد کرده و همگان را به عظمت او توجه داده‌اند؛ تو گویی چشمان در هاله غم فرو رفته همه انبیا و اوصیا چشم

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸ نامه به شیخ مفید رحمته الله.

به راه روز قیام و آمدن اوست .

خون همیشه جوشان حلقوم حسین علیه السلام ، به هنگام فجر ، نام مهدی را بر صفحه افق نقش می زند و رنگ سرخ شفق در صفحه هر غروب ، سرخی دل عرش نشینان را باز می خواند .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اوج قله دانش آن امام قائم علیه السلام ، اشارت می فرماید :

«أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ»<sup>۱</sup>.

آگاه باشید که او (مهدی علیه السلام) وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است .

مولای همه خوبان ، امام علی علیه السلام از او به عنوان پناه دهنده ترین و آگاه ترین انسان ها یاد می کند :

«أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا»<sup>۲</sup>.

او پناه دارترین شماست و عالم ترینتان .

آن گاه با شیدایی و شیفتگی از شوق دیدارش آه می کشد و لقایش را انتظار می برد ، «آه ! آه ! ... شوقاً إلی رؤیته»<sup>۳</sup>.

بانوی هستی ، فاطمه زهرا علیها السلام در لحظه های آخر عمر شریف پیامبر ، با مرثده «مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ»<sup>۴</sup> تسلی می یابد .

۱ . بحار الانوار ، ج ۳۷ ، فرازی از خطبه غدیر ، ص ۲۱۴ .

۲ . بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۱۵ ، ح ۲۴ .

۳ . همان .

۴ . بحار الانوار ، ج ۳۶ ، ص ۳۶۸ ، ح ۲۳۳ .

امام علم و تعلیم، حضرت صادق علیه السلام آرزوی دیدار او را دارد؛ در فراقش ناله می‌کند؛ در غم غیبتش می‌سوزد؛ از دوری رویش آسایش ندارد و از هجرانش پریشان و افسرده است و در حالی که لباس ساده بی‌گریبان پوشیده و روی خاک نشسته است، به‌سان مادر فرزند مرده، ناله سر می‌دهد و سرشک از دیدگان می‌بارد و با آن محبوب نیامده، نجوا می‌کند.<sup>۱</sup>

سرانجام... امام رئوف علی بن موسی الرضا علیه السلام با شنیدن وصف آن حجت یزدان اشک از دیدگان فرو می‌ریزد، و به احترام نام مقدس «قائم» از جا برمی‌خیزد؛ می‌ایستد و دستان مبارک بر سر می‌گذارد و با آهی سوزان دعا می‌کند که:

«خدایا! فرجش را برسان و قیامش را آسان گردان.»<sup>۲</sup>

راستی، چگونه بگوییم که ما سرباز اویم در حالی که امام صادق علیه السلام آرزو مند خدمت‌گزاری آستان اوست و می‌فرماید:

«لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.»<sup>۳</sup>

اگر روزگار او را درمی‌یافتم، سراسر زندگی‌ام خدمتش می‌کردم.

اینک که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقام «مهدی علیه السلام» را می‌ستاید و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام به وجود او تسلی و سرور می‌یابند و

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۵۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۰۶.

۳. تاریخ الغیبة الکبری، ص ۳۵۹.



امام صادق علیه السلام به خدمتش می ایستد و در فراقش اشک می ریزد، و حضرت رضا علیه السلام به نامش از جای برمی خیزد و به یادش می گرید، شایسته بلکه واجب است که ما شیعیان نیز:

- به یادش باشیم.

- برای نزدیکی ظهورش، دعا کنیم.

- در پی جلب رضایتش بکوشیم.

- خلق را به سویش دعوت کنیم.

- دل‌ها را از محبتش لبریز گردانیم.

- خود را برای جانفشانی و جهاد در رکابش، آماده سازیم.

- در زمان غیبتش، وظایف خود را بشناسیم و در این راه به تلاش

هرچه بیشتر پردازیم.

- در هجران رویش بنالیم و اشک بریزیم...

تا - ان شاء الله - توفیق دیدارش، نصیب گردد.

از آن جا که معرفت و اعتقاد به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام از

پایگاه‌های مهم اخلاقی و پرورش‌های انسانی است، مطالعه در آثار و

اخبار مربوط به حضرتش، نقش مؤثری در بیداری و هوشیاری جان و

اندیشه انسان‌ها دارد؛ استعدادهاى خفته را بیدار می‌کند و آدمی را در

برابر مشکلات، امیدوار و نیرومند می‌سازد.

در راستای این امر مهم، با الهام از فرموده‌ها و روایات منقول از

حضرت رضا علیه السلام، در آشنایی بیشتر با آخرین ذخیره‌الاهی حضرت

مهدی علیه السلام سعی نموده‌ایم.

امید است این اثر شعله‌ای از مشعل فروزان محبت به حضرتش را در دل‌ها بیفزاید و حالت انتظار ظهور مصلح بزرگ را در دل‌های حقیقت‌جو فراهم آورد.

ان شاء الله .

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ

بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً

وَنَرَاهُ قَرِيباً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>.



## هجرات غیبت

روزگار غیبت، دوران ظلمت و محرومیت است برای تمام آن‌هایی که امام علیه السلام از آنان غائب است یا به سخن دیگر، اینان از او مهجورند. اگر نیکو بنگریم و بیندیشیم و در برکات و آثار وجودی امام علیه السلام تأمل نمائیم، خواهیم دریافت که دوران غیبت چه دوران رنج‌بار و طاقت‌فرسایی است! خود امام عصر علیه السلام در دعای شریف افتتاح زبان شکوه به محضر خداوند می‌گشاید و از نکبت‌ها و سیه‌روزی‌ها و تیره‌بختی‌های مردمان آن عصر، شکایت می‌کند.

با مراجعه به روایات بس فراوان در باب غیبت امام زمان علیه السلام و تدبیر در آن‌ها، این نکته حاصل می‌گردد که ائمه ما علیهم السلام، نگران مصائب عصر غیبت و ابتلائات دوستان و شیعیان‌شان بوده‌اند. به عنوان نمونه، حضرت رضا علیه السلام در بیان شیوایی، از حیرت و سرگردانی مؤمنان در آن عصر چنین یاد می‌فرمایند:

«وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ!»<sup>۱</sup>

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶.

چه بسیار مؤمن دل سوخته‌ای که در فقدان آب گوارا در حیرت و حزن  
به سر می‌برد!

آن حضرت محرومیت زمان مستوری را چنین به تصویر می‌کشد  
که - مؤمنان چون تشنگانی که از جرعه‌ای آب گوارا منع می‌شوند - در  
وادی حرمان به سر خواهند برد؛ آن آبی که برای همگان است و  
ضروری‌ترین مادهٔ حیات ... و به راستی، امام زمان علیه السلام چنین است و  
دوران غیبت چنان.

کوتاه سخن آن که غیبت امام عصر علیه السلام دوری از تجلی تمام  
خوبی‌هاست و در پرده بودن تمام روشنایی‌ها.

آری، شب سرد غیبت، هنگامهٔ به چاه افتادن‌هاست؛

گاه لرزیدن‌ها و ترسیدن‌هاست؛

بجبوحهٔ گریستن‌ها و نالیدن‌هاست.

عصر غیبت، عصر محرومیت از چشمهٔ گوارای ولایت است و دوران  
پرده‌نشینی یار و محجوبی جمال و کمال او. روزگار غیبت امام علیه السلام،  
هنگامهٔ دوری از چشمه‌سار معرفت و زلال هدایت حضرت اوست.

همان‌گونه که خود در پس پردهٔ غیبت نشسته است و مردمان، از دیدار  
او محروم‌اند، صفات حُسنش نیز محجوب است؛ آن چه از تشعشع  
خُلق و خُوی او دیده می‌شود از پس ابر سیاهی است که بر چهرهٔ آفتاب  
افتاده و تابشی است از میان روزنه‌های پردهٔ هجران و چه زیباست آن  
لحظه که این پرده برافتد و ﴿أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾<sup>۱</sup> معنی شود!

## فراق محبوب

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام - که روز جمعه را روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام می داند -، در یکی از بهترین لحظات نیایش خود یعنی قنوت نماز جمعه سرود بیقراری و انتظار سر می دهد و برای فرج و ظهور آن بزرگوار دعا می کند:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَخُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَأَسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَلِيًّا سُلْطَانًا وَأُذُنًا لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>.

بار الها! کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت [امام مهدی علیه السلام] را سامان ده - همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی - و از فرشتگانت، نگاهبانانی بر او بگمار و از سوی خویش با روح القدس او را یاری و پشتیبانی فرما و دیده بانانی که از هر گزندی

نگاهش دارند از پیشرو و پشت سر همراه وی گردان و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز که او تو را می پرستد و هیچ چیز را همتا و مانند تو قرار نمی دهد، و برای هیچ یک از آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت به ولی خود قرار مده و او را در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازت فرما و مرا از یاوران او قرار ده، که همانا تو بر هر کاری توانایی.

با عنایت به مضامین زیبای فوق، روشن می گردد که امام هشتم علیه السلام عالی ترین و بلندترین زمزمه های محبت را چگونه با سوز و از سر شوق در این مناجات کوتاه بر زبان جاری می سازد! هم محبوب خود را معرفی می نماید و هم آرزوی سلامتی و ظهور او را دارد و از خدا می خواهد که بیعت هیچ ستمگری بر گردن آن حضرت نباشد. آن گاه برای جهاد در رکاب او اعلام آمادگی نموده بدین وسیله ارتباط معنوی و عاطفی خود را با آن بزرگوار ابراز می فرماید.



## رأفت بیکران حضرت مهدی علیه السلام

شاید این سخن را بسیاری شنیده و از ترس بر جان خود لرزیده‌اند که دوازدهمین امام معصوم علیه السلام - آن زمان که ظهور می‌کند - بیشتر مردم دنیا را می‌کشد و جوی خون به راه می‌اندازد؛ از کشته‌ها پشته می‌سازد، نفس‌ها را در سینه‌ها قطع می‌کند و قیام او برای عذاب و عقوبت مردم است و...!

این تصویر حجابی بر حجاب‌های او می‌افزاید و سدّی افزون بر آن‌چه هست در برابر دید مردمان می‌کشد تا هرگز نور جمالش را نبینند و به فیض ظهورش نرسند و او بیش از پیش در غربت خود بماند و از فراق دوستان بنالد!

آن‌چه بیش از همه قلب محبّانش را می‌آزارد آن است که این سخنان از کسانی به گوش می‌رسد که دعوی محبّت و ارادت به او دارند؛ در حالی که غافل‌اند از این که آن وجود مقدّس امام عصر علیه السلام رحمت پهناور است.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در

---

۱. وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ... مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.



وصف مهدی آل محمد علیهم السلام چنین نقل فرموده است:

«أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا، وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا، وَأَوْسَعُكُمْ رَحْمًا».<sup>۱</sup>

(حضرت مهدی علیه السلام) از همه شما بیشتر، مردمان را پناه می‌دهد و از همه شما علمش افزونتر است، و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر.

این کلام - که به نقل شیخ حرّ عاملی رحمته الله چهار معصوم آن را نقل فرموده‌اند - گوهری از خزائن معرفت آن ولیّ الله الاعظم است که در نهایت ظرافت، عمق رأفت او را بیان می‌کند و وسعت رحمت او را بر عموم یادآور می‌شود. از آن جا که مولی الموحّدين حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رأفت او را به «کهف» تشبیه می‌فرماید، می‌توان این نکته را دریافت که چگونه لطف عامش نه تنها شیعیان و محبّان، که عموم مردمان را فرا گرفته است؛ همچون کهفی که ملجأ هر پناه‌جویی است و آغوش امن و امان بر بی‌پناهان گشوده است و هر که به او روی آورد ایمن خواهد بود. حدیث مفصّل و جالبی از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است.<sup>۲</sup> در این کلام نورانی امام رضا علیه السلام، باید به نیکی تدبّر نمود و آن جام لبریز از زلال وحی را با آرامی نوشید که کلام امام را فهمی از امام باید.

اکنون باید در محضر انوار رضوی زانوی ادب زد و نظاره کرد که چه زیبا، آن حضرت از رأفت امام پرده برمی‌گیرد و آن برتر از معنا را به پیمانه الفاظ می‌ریزد و جان‌ها را به تماشا می‌نشانند. نخست او را به صاحب اُنسی رفیق مانند، تشبیه می‌کند که در اُنسش آرامش جان است

۱. إثبات الهداة، ج ۷، ص ۷۵.

۲. الکافی، کتاب الحجّة، بابُ نادرُ جامعُ فی فضل الإمام و صفاته.

و در رفاقتش محبت بیکران. دیگر باره این مقام را با تعبیری عمیق تر به تصویر می کشد و رأفتش را به پدری دلسوز تشبیه می کند که از هیچ هدایت و ارشادی دریغ نمی ورزد؛ چه عطوفت و لطف پدر از محبت و انس رفاقت برتر است. لطف امام، اما، فوق این هاست. مهر امام مهر برادری است که همراه انسان و همزاد با او به دنیا آمده است یا این که یکی بوده اند؛ مثل دانه خرما و سپس دو نیم گشته اند؛ گویی انسان را جزئی از خود می داند و اینسان به او مهر می ورزد؛ محبتانش را جدا از خود نمی بیند و رعیتش را از اجزای خود می انگارد.

تشبیه ها بدین ترتیب است:

### ۱ - آفتاب جهانتاب

امام هشتم عج، در این حدیث امام را به سان خورشید عالمتاب معرفی می فرماید:

«الإمامُ كالشمسِ الطالعةِ المُجلِّلةِ نُورُها لِلعالمِ».<sup>۱</sup>

امام چونان خورشیدی است که طلوع می کند و پرتو نورش تمامی جهان را، فرا می گیرد.

### ۲ - ماه درخشان

«الإمامُ البدرُ المُنيرُ».<sup>۲</sup>

امام ماه نور افشان شب چهارده است. بنا بر این سخن، اکنون در

۱. الکافی، کتاب الحجّة، بابُ نادرٌ جامعٌ فی فضل الإمام و صفاته، ح ۱.

۲. همان.

روزگار ما حضرت مهدی علیه السلام وجودی کامل و بی نقص است . چراغی است که با پرتوش به اطراف نورافشانی می کند و نوری است که بر افق می تابد .

### ۳ - آب گوارا

«الإمامُ الماءُ العذبُ عَلَى الظَّماءِ»<sup>۱</sup>.

امام آب گواراست ، در وقت تشنگی .

کسی که در نهایت تشنگی و خستگی ، در تابش شدید آفتاب و گرمای سوزان راه می رود ، می فهمد که آب گوارا یعنی چه و یک قطره آب ، در آن حال ، قدر بی اندازه دارد . این است که کسانی معنی امام را می فهمند که به تشنگی رسیده اند . آیا انسان ها از این آب شیرین استفاده کافی می کنند؟! شکر این نعمت ، وقتی ادا می شود که تشنگان برای رفع تشنگی ، از آن آب شیرین استفاده کنند ؛ نه این که آن را رها کرده بخواهند با هر آب تلخ و شوری رفع عطش کنند .

از بالاترین مصادیق این عطش ، تشنگی در مسائل اعتقادی است . چند درصد از شیعیان ، برای رفع این عطش ، سراغ امام علیه السلام و سخنان ایشان می روند؟! آیا برای احادیث ائمه علیهم السلام شأن مناسبی قائل هستند یا این که گفتار متکلمان غیر مسلمان یا دانشمندان ضد شیعه را مبنای «دین شناسی» قرار می دهند؟ این امر مورد ابتلای متفکران و دانشمندان جامعه است نه مردم عادی و متأسفانه آن ها - چنان که باید و

شاید - بهای لازم را به سخنان گهربارِ اهل بیت علیهم السلام نمی دهند.

#### ۴ - رهنمای هدایت

«وَالدَّالُّ عَلَى الْهُدَى»<sup>۱</sup>.

امام دلیل و راهنماست بر هدایت.

امام، در مقام راهبری فکری، مردم را به سوی قرآن، کتاب بزرگ آفرینش، هدایت می کند؛ چنان که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

«الإمامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الإِمَامِ»<sup>۲</sup>.

امام به سوی قرآن راه می نماید و قرآن به سوی امام.

#### ۵ - پدر دلسوز

حضرت رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خود در معرفی امام می فرماید:

«الإمامُ ... الوالدُ الشَّفِيقُ والأخُ الشَّقِيقُ والأُمُّ البَرَّةُ بالوَلَدِ الصَّغِيرِ».

امام ... پدر دلسوز «شفیق» و برادر تنی و مادر نیک رفتار نسبت به فرزند خردسال است.

شفقت محبتی است که به همراه دلواپسی و نگرانی و سوختن برای محبوب باشد.

یک پدر دلسوز در مقابل فرزند خود احساس مسئولیت می کند و

۱. الکافی، کتاب الحجّة، بابُ نادِرُ جامعُ فی فضل الإمام و صفاته، ح ۱.

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۹۴، ح ۵.

نگران اوست. پدر - بیش از آن که به فکر راحتی خود باشد - به آسایش فرزندش می‌اندیشد و می‌کوشد تا بهترین امکانات را برای او فراهم آورد. در واقع پدر و مادر به فرزندشان احسان می‌کنند.

این حالت پدر و مادر، برخاسته از محبت قلبی آنهاست. منطق محبت، منطق خاصی است و تا زمانی که کسی اهل آن نباشد، نمی‌فهمد. اگر کسی پدر یا مادر نباشد، نمی‌تواند احساس آنها را نسبت به فرزندشان درک کند.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام محبت امام را شبیه محبت مادر نیک رفتار نسبت به فرزند کوچک خود معرفی می‌فرماید. علاقه و محبت مادر به فرزند بسیار روشن است و بالاترین مظهر محبت به شمار می‌آید. هر کس بخواهد بهترین نمونه محبت و عاطفه شدید در دنیا را نشان دهد، باید به محبت مادر نسبت به فرزند خردسال بنگرد.

باید باور داشت که محبت امام عصر علیه السلام به ما، افزون از محبتی است که یک پدر دلسوز و یک مادر مهربان نسبت به فرزند خود دارند. این حقیقت، جز در وجود مقدس آن حضرت یافت نمی‌شود. باید این نعمت بزرگ الهی را قدر دانست و آن را پاس داشت.

## ۶ - بهترین پناه

عبارت «الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ»<sup>۱</sup> در موارد متعدد

۱. بنگرید به صلوات منقول از حضرت زین العابدین علیه السلام در هر روز از ماه شعبان، مفاتیح الجنان.

در وصف امام آمده است .

«کَهِفَ حَصِينٌ» پناهگاه استواری است که انسان را از خطرات و لغزشها مصون می‌دارد و امام فریادرس و پناه در ماندگانی است که به او روی آورند.

بنابراین ، امام آفتاب جهانتاب است ... باران حیات بخش است ... ماه تابان است ... ستاره هدایت است ... آب گواراست ... شعله فروزان است ... خورشید پرفروغ است ... راهنماست ... باران شتابنده بهاران است ... چشمه جوشان است ... برکه و گلستان است ... انیس جان و رفیق مؤمنان است و از همه بهتر این که پدری دلسوز و مادری مهربان است .



## شعر جانسوز

دعبل بن علی خُزاعی، شاعر نام‌دار شیعی، می‌گوید: قصیده‌ای را برای مولایم امام رضا علیه السلام سرودم، که یک بیت مشهور آن این بود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تَبْلَاوَةٍ

وَمَنْزِلٌ وَحِيٍّ مُتَّقِفِرِ الْعَرَصَاتِ

جایگاه‌های تدریس آیات قرآن (بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) خالی گردید، و مقام نزول وحی تهی ماند.

در شعرم به این ابیات رسیدم:

خُرُوجَ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٍ

يُقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ

وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

- قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام حتمی است و با نام خداوند - تبارک و تعالی - و برکات او قیام می‌کند.

- او در میان ما هر حق و باطلی را از هم جدا می‌کند و مردم را بر نعمت‌ها و نعمت‌ها پاداش و کیفر می‌دهد.

وقتی این دو بیت را خواندم، امام رضا علیه السلام گریستند سپس سر برداشتند و فرمودند:

«یا خُزاعی! نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلٰی لِسَانِكَ بِهَدَّيْنِ الْبَيْتَيْنِ»<sup>۱</sup>.

ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد.





## نشانه‌های محبوب

احادیث فراوانی به کمالات و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارند. این خصائص برخی بیانگر خصوصیات ظاهری آن حضرت، و برخی توصیفگر کمالات روحی آن بزرگوار است. و بعضی از چگونگی ظهور حضرت حجت علیه السلام خبر داده تحولات عصر ظهور و بعد از آن را تبیین می‌نمایند.

لازم به ذکر است، علائمی که راجع به حضرت مهدی علیه السلام ذکر گردیده به گونه‌ای است که مختص آن بزرگوار است و در هیچیک از مدعیان مهدویت دیده نشده و نخواهد شد. از جمله علائمی که درباره مسائل قبل و بعد از ظهور و هنگام قیام و ایام حکومت و پیروزی‌های امام علیه السلام و آکندن زمین از عدل و داد و... هر یک از آن امور شاهدی بر حقیقت حضرت مهدی علیه السلام و معرفی آن بزرگوار می‌باشد.

با تحقق این نشانه‌ها و انطباق این اوصاف با حضرت مهدی علیه السلام به هنگام ظهور، هرگونه شک و تردید برطرف می‌گردد و مجالی برای تشکیک و سوسه‌انگیزان باقی نمی‌ماند تا در ایمان و اعتقادات افراد تزلزل ایجاد کنند.

اکنون به برخی از اوصاف و ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام به بیان امام هشتم علیه السلام اشاره می‌گردد:

### ۱ - میلاد پنهانی

به حضرت رضا علیه السلام عرض شد: امیدواریم شما همان صاحب الامر باشید. آن حضرت فرمودند:

«... يَبْعَثُ اللهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِمَّنَّا خَفِيَ الْمَوْلِدِ وَالْمَنْشَأُ غَيْرَ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ وَنَفْسِهِ».<sup>۱</sup>

خداوند برای این امر مردی را از ما برمی‌انگیزد که محل ولادت و رشدش بر همگان پوشیده است ولی نسب و شخصیت او بر کسی پوشیده نیست.

### ۲ - پیوسته جوان

ابو صلت هرّوی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: علائم و نشانه‌های حضرت قائم علیه السلام چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

«... لَا يَهْرَمُ بِمَرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي...».<sup>۲</sup>

... (از نشانه‌های او این است که) با گذشت روزها و شب‌ها پیر نخواهد شد...

### ۳ - خوشبوترین عطر

حضرت ثامن الحجج علیه السلام فرمود:

«... وَتَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ...».<sup>۳</sup>

عطر وجود حضرت مهدی علیه السلام از هر مشکی خوشبوتر است.

۱. منتخب الاثر، ص ۲۸۸.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۳. إلزام الناصب، ص ۹.

#### ۴ - چهره نورانی

امام رضا علیه السلام فرمود:

«... عَلَيْهِ جَلَابِيبُ الثُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ ...»<sup>۱</sup>.

بر او پوششی است از نور که از پرتو قدس روشنائی می‌گیرد.

#### ۵ - سیمای جوانان

ابو صلت هروی گوید: از امام هشتم علیه السلام پرسیدم: نشانه قائم شما در

وقت ظهور چیست؟

امام پاسخ داد:

«... علامته أن يكون شيخ السن، شاب المنظر، حتى أن الناظر

إليه ليخسبه ابن أربعين سنة أو دونها ...»<sup>۲</sup>.

نشان وجود قائم ما این است که در سن پیران، ولی جوان رخسار

است؛ به طوری که بیننده گمان می‌کند که او مردی چهل ساله یا کمتر

(جوانتر) است.

#### ۶ - پیمودن گیتی

امام رضا علیه السلام فرمود:

«... هو الذي تطوى له الأرض ...»<sup>۳</sup>.

او (امام عصر علیه السلام) کسی است که زمین برایش درنوردیده (پیموده)

می‌شود.

۱. منتخب الأثر، ص ۴۲۲.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

## سیره حضرت مهدی علیه السلام

از ویژگی‌های مهم در وجود رهبران الهی، انسانیت، بزرگواری و گذشت و قدرشناسی آنان است و ما از این‌گونه سجایا در وجود همه انبیا و اوصیای الهی سراغ داریم؛ میهمان‌نوازی ابراهیم خلیل، گذشت و عفو یوسف صدیق، و عطوفت بیکران خاتم انبیا صلی الله علیه و آله همه بیانگر روح بزرگ آنان است.

حضرت مهدی علیه السلام، نیز از نظر سجایای اخلاقی و دانش و بینش آن چنان والا گهر است که نمونه‌اش را جز در میان خاندان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌توان یافت؛ آن که خدای متعال صلاحیت رهبری او را تأیید فرموده است و از او جز نیکویی، به افراد نمی‌رسد. قرآن می‌فرماید:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

برگزیده خدا (حضرت مهدی علیه السلام) برای شما نیکوتر است؛ اگر در زمره مؤمنان باشید.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

اولین کاری که مهدی علیه السلام انجام می‌دهد این است که در همه عالم ندا برمی‌آورد: هان، هر کس قرضی بر عهده یکی از شیعیان ما دارد اعلام کند. او حتی دانه سیر و خردل را هم به صاحبان آنها می‌رساند؛ چه رسد به طلاها و نقره‌ها و املاک زیاد.<sup>۱</sup>

اولین کار او در هنگامه روی آوری امکانات اجتماعی، پرداخت وام‌های شیعیان، از آغاز امامت امیرالمؤمنین علیه السلام تا هنگامه ظهور است، یعنی یاد کسانی را که در تمامی اعصار دل در گرو محبتش داشته و آرزومند دولت حقه آن بزرگوار بوده‌اند فراموش نمی‌کند. این همه عطوفت را در که می‌توان یافت؟

خلاصه این که او در فضیلت‌ها و الایبی‌ها بی‌همتاست و از این روست که امروز در صدر کائنات قرار دارد. آری، او انسانی کامل و برخوردار از همه ویژگیهای نیکان است و خلاصه «آن چه خوبان همه دارند او تنها دارد». برخی از آنها عبارت است از:

### ۱ - میراث‌داری انبیا علیهم السلام

السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ... وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَضْفِيَاءِ...<sup>۲</sup>

سلام بر وارث پیامبران... (کسی که) آثار برگزیدگان فقط در نزد اوست.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۴.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت امام عصر علیه السلام.

امام عصر علیه السلام وارث تمام کمالات انبیا و اولیا و نیاکان و الا تبار خویش است.

حضرت رضا علیه السلام به ریّان بن صلت در این باره فرمودند:  
«... عصای موسی و انگشتری حضرت سلیمان<sup>۱</sup> نزد آن حضرت است»<sup>۲</sup>.

زمانی که حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء ظهور می فرماید، میراث‌هایی از انبیا و خصوصاً از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همراه دارد؛ میراث‌هایی که با هیچ بهایی نمی توان ارزیابی کرد.

مقصود از میراث در این جا، مال و دارایی که شخص از دنیا رفته برای ورثه خود باقی می گذارد، نیست؛ بلکه مقصود یادگارهای ویژه الهی نفیس و پر بهایی است که پیامبران برای اوصیای پس از خود به عنوان ودایع نبوت باقی می گذارند و از یک وصی به وصی بعد منتقل می گردد. پس از وفات پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم، این ودایع، به علاوه میراث‌های

---

۱. حضرت رضا علیه السلام در مورد نقش نگین انگشتر حضرت سلیمان می فرماید:  
كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ: «سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ بِكَلِمَاتِهِ». بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۷۰، ح ۱۳.

یعنی «منزه است خداوندی که لجام کرد جنیان را به کلمات خود».  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: حق تعالی پادشاهی حضرت سلیمان را در انگشترش گذاشته بود، پس هرگاه آن انگشتر را در دست می کرد جمیع جن و انس و شیاطین و مرغان هوا و وحشیان صحرا نزد او حاضر می شدند و او را اطاعت می کردند...  
تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۲. منتخب الاثر، ص ۲۲۱، ح ۲.

شخص رسول خدا ﷺ، به وصی آن بزرگوار، یعنی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و پس از ایشان، به حضرت امام حسن علیه السلام و به همین ترتیب به امام پس از وی... و سرانجام به خاتم الاوصیاء دوازدهمین جانشین یعنی حضرت مهدی ارواحنا فداه رسیده است. هم اکنون نیز نزد ایشان موجود است و تا روز ظهور آنها را حفظ خواهند فرمود. این میراثها، به عنوان نمادهایی، بیانگر حقایق آن حضرت و معرفی آن بزرگوار در زمان ظهور است.

حضرت صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود به نام یعقوب بن شعیب فرمود: «می خواهی پیراهن قائم علیه السلام را - که با آن قیام می کند - به تو نشان دهم؟»

عرض کرد: آری.

آن حضرت صندوقچه ای را خواستند. آن را باز کرده پیراهنی از کرباس از آن بیرون کشیدند. سر آستین چپ پیراهن، خونین بود. سپس فرمودند: «این پیراهن رسول خدا ﷺ است در روزی که دندان پیامبر را شکستند، بر تن حضرتش بود. حضرت مهدی علیه السلام با همین پیراهن قیام می کند.»<sup>۱</sup>

## ۲ - شباهت به انبیاء علیهم السلام

روایات رسیده از ائمه معصومین علیهم السلام حاکی از آن است که امام

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۴۲.

عصر علیه السلام وارث تمام کمالات و خَلَقَاتِ انبیای عظام الاهی است.

ابن ابی یعفر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«هیچ یک از معجزات انبیا و اوصیا نیست جز این که خداوند برای

اتمام حجّت، آن ها را به دست قائم علیه السلام جاری می کند.»<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام به یکی از شباهت های حضرت مهدی علیه السلام به موسی بن

عمران علیه السلام اشاره می فرماید:

«بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي وَشَبِيهِي وَشَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؛ عَلَيْهِ

جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدُسِ...»<sup>۲</sup>

پدر و مادرم فدای او (مهدی علیه السلام) که هم نام جد من است! سیمای او

شبهه من و شبیه موسی بن عمران است؛ بر او هاله ای از نور است که از

پرتو روشنایی قدس روشنی می گیرد.

لازم به تذکر است که امام رضا علیه السلام بسیار خوش سیما بودند به همین

دلیل، گاهی که در مجامع عمومی شرکت می فرمودند، به رسم آن

روزگار، به صورت مبارک نقاب می زدند و نور امامت از زیر نقاب

می درخشید.<sup>۳</sup>

### امام عصر و حضرت موسی علیه السلام

الف: دوران حمل مادر حضرت موسی علیه السلام و مادر حضرت

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۲.

۳. روزگار رهائی، ج ۱، ص ۱۲۸.



مهدی علیه السلام هر دو مخفی بود.

ب: ولادت امام عصر علیه السلام و ولادت حضرت موسی علیه السلام هر دو مخفی بود.

ج: حضرت موسی علیه السلام از قومش دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود؛ غیبت اول از مصر بود و غیبت دوم، هنگامی که به سوی میقات پروردگارش (کوه طور) رفت. مدت غیبت نخستین بیست و هشت سال و زمان دومین غیبت چهل روز بود، خداوند متعال می فرماید: «فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً»<sup>۱</sup>.

حضرت قائم علیه السلام نیز دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است.

د: حضرت موسی علیه السلام از ترس دشمنانش غائب شد. خداوند متعال می فرماید: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»<sup>۲</sup> امام عصر علیه السلام نیز از ترس دشمنان پنهان گردید.

ه: وقتی حضرت موسی علیه السلام غائب شد، قومش در منتهای رنج و فشار و مشقت و ذلت واقع شدند؛ به امر فرعون، پسران آنها را می کشتند و زنانشان را زنده نگه می داشتند. در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام نیز شیعیان و دوستان آن حضرت در منتهای سختی و فشار و ذلت می افتند، تا خداوند کسانی را که ایمان آورده اند پاک کند و کافران

۱. اعراف (۷): ۱۴۲. «میعاد پروردگارت با او چهل شب تمام شد».

۲. قصص (۲۸): ۲۱. «از شهر خارج شد در حالی که بیمناک بود و انتظار داشت که تعقیبش کنند».

را هلاک گرداند: ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾.<sup>۱</sup>

### امام عصر و خضر نبی علیه السلام

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشیده لذا تاکنون زنده است و تا دمیدن صور نمی میرد. او همواره نزد ما (ائمه) می آید و بر ما سلام می کند... همه ساله در مراسم حج شرکت می کند و حج به جای می آورد. در عرفات می ایستد و به دعای مؤمنان «آمین» می گوید. خداوند به زودی قائم ما را با خضر مانوس کند و وحشت او را به ایمنی تبدیل نماید و با مانوس ساختن او، قائم علیه السلام را از رنج غربت و تنهایی رهایی بخشد».<sup>۲</sup>

برخی دیگر از ویژگی های حضرت خضر علیه السلام عبارت است از:

۱ - حضرت خضر علیه السلام در هر سرزمینی که فرود آید، آنجا سرسبز و مصفا می شود. حضرت قائم علیه السلام نیز به هر سرزمینی که بگذرد، آن ناحیه سرسبز و پرگیاه می گردد، و آب از آن می جوشد و چون از آنجا برود، آب فرو می رود، و زمین به حال خود برمی گردد.<sup>۳</sup>

۲ - خداوند به حضرت خضر علیه السلام، قدرت و نیروئی عنایت فرموده

---

۱. آل عمران (۳): ۱۴۱. «و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند و کافران را تدریجاً نابود سازد».

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰.

۳. النجم الثاقب، ص ۱۴.

است که به هر شکلی بخواهد درآید؛ هم چنان که به حضرت قائم علیه السلام نیز همین قدرت را مرحمت فرموده است.<sup>۱</sup>

۳ - حضرت خضر علیه السلام به علم باطن مأمور بود؛ چنان که به حضرت موسی علیه السلام گفت: «تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؛ چگونه می توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟»<sup>۲</sup> حضرت قائم علیه السلام نیز به علم باطن مأمور است.

۴ - اسرار کارهای شگفت انگیز حضرت خضر علیه السلام، آشکار نشد مگر بعد از آن که خود، فاش کرد. اسرار غیبت حضرت مهدی علیه السلام نیز روشن نمی شود مگر بعد از ظهور.

۵ - حضرت خضر علیه السلام، هر سال در مراسم حج شرکت می کند، مناسک حج را انجام می دهد. حضرت قائم علیه السلام نیز هر سال در مراسم حج حضور یافته مناسک به جای می آورد.

### ۳ - ساده زیستی

معمر بن خلاد گوید: وقتی در محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از قائم علیه السلام سخن به میان آمد، فرمود:

«... وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا الْغَلِيظُ ، وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ».<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۸۶.

۲. کشف (۱۸): ۶۷ و ۶۸.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۵، ح ۵.

... لباس قائم علیه السلام چیزی جز پارچه خشن نیست و غذای او نیز تنها غذایی ساده و ناچیز است.

#### ۴ - کمال بینایی

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«لَنَا أَعْيُنٌ لَا تُشْبَهُ أَعْيُنَ النَّاسِ ، وَفِيهَا نُورٌ ، لَيْسَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكٌ»<sup>۱</sup>.

ما «اهل بیت»، دیدگانی داریم که به چشم‌های مردم شباهت ندارد و نوری در آن است که شیطان را در آن بهره‌ای نباشد.

آری: جام جهان ناست ضمیر منیر دوست.

#### ۵ - توان راهبری

حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«... مُضْطَلَعٌ بِالْإِمَامَةِ ، عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ»<sup>۲</sup>.

(مهدی علیه السلام) بر امر امامت توانا و قدرتمند و به نحوه اداره امور امت عالم و آگاه است.

قدرت رهبری الهی و سیاستمداری امام عصر علیه السلام تا بدان جاست که می‌تواند همه امور را به بهترین و جهی اداره نماید و تمام نیروهای خدادادی خود را، برای محو آثار شرک، به بهترین وجه به کار گیرد و با

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۲۶، ح ۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲.

استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، جامعه آرمانی برای بشریت به ارمغان آورد.

### ۶ - دعای مستجاب

امام رضا علیه السلام می فرمایند: حضرت مهدی علیه السلام دو نشانه بارز دارد که با آنها شناخته می شود: یکی دانش بیکران الهی و دیگری استجابت دعا.

«... دلالته فی خصلتین: فی العلمِ واشتجایة الدعوة»<sup>۱</sup>.

همچنین در بیان دیگری، از آن حضرت آمده است:

«... ویکونُ دعاؤه مستجاباً حتّیٰ أنه لو دعا علی صخرَةٍ لانشقتْ بِنِضْفَینِ»<sup>۲</sup>.

دعای او (حضرت مهدی علیه السلام) همواره به اجابت می رسد؛ تا جایی که اگر دعا کند که سنگی از وسط دو نیم گردد می شود.

### ۷ - قدرت جسمانی

از ریّان بن صلت روایت شده که گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: آیا شما صاحب این امر هستید؟

فرمود: «آری! من صاحب این امر هستم؛ اما نه آن کسی که جهان را - در حالی که از ستم آکنده شده باشد - از عدالت پر کند. من چگونه دارای این ویژگی باشم در حالی که ناتوانی بدنم را می بینی! همانا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۱.

حضرت قائم علیه السلام کسی است؛ که هرگاه قیام کند، در کهن سالی شبیه جوانان است.

آن حضرت علیه السلام در ادامه فرمایش خود ویژگی های دیگری را بیان می دارند:

«وَلَكِنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الَّذِي ... قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا...»<sup>۱</sup>

قائم علیه السلام آن کسی است که ... آن چنان نیرومند است که اگر به سوی بزرگترین درخت روی زمین دست دراز کند، آن را از جای برمی کند و اگر بین کوهها فریادزند، سنگهای کوه فرو ریزند.

## ۸ - خوی نیکو

حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«لِلْإِمَامِ عِلْمَاتٌ؛ يَكُونُ: برای امام نشانه هایی است؛ او:

أَعْلَمَ النَّاسِ داناترین مردمان

أَحْكَمَ النَّاسِ حکیم ترین مردمان

أَتْقَى النَّاسِ باتقواترین مردمان

أَحْلَمَ النَّاسِ بردبارترین مردمان

أَعْبَدَ النَّاسِ عابدترین همگان

يَكُونُ آخَذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُهُ بِهِ

از همه بیشتر به آنچه که مردم را به آن امر می کند، عمل می کند.

وَأَكْفَ النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ

از همه بیشتر، از آن چه مردم را از آن نهی می‌کند دوری می‌نماید».<sup>۱</sup>

## ۹ - فروتنی بی‌نظیر

حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».<sup>۲</sup>

مهدی علیه السلام، در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است.



---

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، باب ۱۹، ح ۱.

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۱.

## دشواری‌های عصر غیبت

خدای متعال برای هدایت انسانها، ائمه علیهم‌السلام را معرفی فرموده است تا مردم با مراجعه به ایشان، از گمراهی نجات یافته به سعادت ابدی برسند:

﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾<sup>۱</sup>

و به تحقیق برای ایشان پیوسته سخنان را رساندیم؛ شاید متذکر شوند.

حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرماید: «منظور از این آیه: فرستادن امامان در پی یکدیگر است»<sup>۲</sup>. این از بزرگترین نعمت‌های خدا بر انسانهاست؛ چراکه تنها وسیله هدایت، وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام اند و امت اسلام این سعادت پر افتخار را داشت که با سیزده نفر از این بزرگواران زندگی کند و از محضر آنها بهره‌مند گردد.

اگرچه اسرار غیبت امام عصر علیه‌السلام برای ما به طور کامل روشن نشده

۱. قصص (۲۸): ۵۱.

۲. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۹، ح ۱.



و طبق روایاتی که در این خصوص آمده است علت آن پس از ظهور خود آن حضرت مشخص می‌گردد، یکی از حکمت‌ها و اسراری که برای آن ذکر شده است خشم گرفتن خداوند بر مردم و امت قدر ناشناس پیامبر ﷺ است.

نعمت حضور ائمه علیهم‌السلام فضل بزرگی از طرف خدا بر انسان‌هاست که متأسفانه به خاطر معاصی خود و قدرناشناسی، از آن محروم گشته‌اند. امام باقر علیهم‌السلام می‌فرمایند: «وقتی خداوند متعال بر آفریده‌های خود غضب نماید، ما (اهل بیت) را از مجاورت آن‌ها دور می‌کند»<sup>۱</sup>.

### ۱ - دین نگهداری

در برخی روایاتی که از وجود مقدس حضرت رضا علیهم‌السلام وارد شده، آن حضرت یکی از علل غیبت و تأخیر ظهور حضرت مهدی علیهم‌السلام را «آزمایش و امتحان» مردم می‌دانند. از مجموع اخبار وارد شده در این زمینه چنین برمی‌آید که امتحان غیبت امام عصر علیهم‌السلام یکی از دشوارترین امتحانات الاهی است.<sup>۲</sup>

دشواری این امتحان به حدی است که حتی معتقدان به امامت و ولایت هم در آن آزمون مصون از لغزش نخواهند بود. اساساً این امتحان برای امامت باوران است، و دیگران قبل از این رتبه، امتحان خود را داده‌اند. اکنون در زمان غیبت آخرین پیشوا، خداوند

۱. الکافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۳۱.

۲. در این زمینه، به کتاب ارزنده منتخب الاثر، بابهای ۲۷ و ۴۷، فصل ۲ مراجعه شود.

می‌خواهد ثابت قدمها را از افراد سست ایمان و سطحی‌نگر جدا سازد. آدمی باید در اعتقادات خود بسیار استوار باشد تا در اثر این سختی‌ها و ناملایمات، نلغزد و در عقاید خویش سست نشود. ضمناً از پیشوایان خود سپاسگزار باشد که قبل از آن که زمان غیبت فرا رسد، خطرات و لغزشگاههای آن دوران را گوشزد کرده‌اند.

دشواری امتحان از این جهت است که انسان به گونه‌ای اعتقاداتش را از دست می‌دهد که خودش هم متوجه نمی‌شود. این مطلب، احتیاج به مدت زمان زیادی هم ندارد، بلکه یک صبح تا غروب برای بی‌دین شدن کفایت می‌کند!<sup>۱</sup>

امام هشتم علیه السلام در بیان شیوائی در توصیف و تبیین برخی از فتنه‌هایی که دامنگیر مردم می‌شود می‌فرمایند:

«لَا بَدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلِمٍ ، تَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةٍ ، وَذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي ؛ يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَكُلُّ حَرِيٍّ وَحَرَّانٍ ، وَكُلُّ حَزِينٍ لَهْفَانٍ».<sup>۲</sup>

فتنه‌ای کور (خیلی مبهم و پیچیده) در راه است و ناگزیر فرا می‌رسد که هر خودی و دوست نزدیکی را سرنگون می‌کند. این فتنه زمانی است که شیعیان، سومین امام از نسل فرزندانم را گم کنند، اهل آسمان و زمین و هر زن و مرد دلسوخته و هر غمگین و اندوهناکی بر او (مهدی علیه السلام) می‌گرید.

حضرت رضا علیه السلام از «فتنه» خبر می‌دهند. «فتنه» به معنای امتحانی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۱، ح ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۲.

است که انسان را می‌فریبد و هرکس ممکن است در مقابل جاذبه شدید آن، کشیده شود و بلغزد. به علاوه در بیان دشواری این امتحان تصریح فرموده که این فتنه «صَمَاءٌ صَیْلَمٌ» است. («صَمَاءٌ» یعنی «کر» و «صَیْلَمٌ» به معنای «شدید» است)؛ یعنی این امتحان چنان سخت و نامعلوم است که دوستان و خواص را هم بر زمین می‌زند و همه در معرض سقوط و انحراف قرار می‌گیرند.

امام هشتم علیه السلام این زمان را زمان گریه اهل آسمان و زمین دانسته‌اند. دوره‌ای که اهل درد، از گم کردن امام زمانشان، غمگین و افسرده خاطرند، شادی و خوش حالی نمی‌بینند؛ چون غم امام غائب از دل ایشان بیرون نمی‌رود و زندگی آنها با غم و اندوه بر غیبت امام زمانشان عجین است. لذا در پی خوش حالی‌های اهل دنیا نیستند و در شادی‌ها و جشن‌ها، دل سوخته آنها التیام نمی‌یابد.

علی بن موسی الرضا علیه السلام سپس فرمودند:

«... كَمْ مِنْ حَرِيٍّ مُؤْمِنَةٍ وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ عِنْدَ  
فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ! كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ، كَأَنَّا قَدْ نُودُوا نِدَاءً يُسْمَعُ  
مِنْ بُعْدٍ كَمَا يُسْمَعُ مِنْ قُرْبٍ، يَكُونُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً  
عَلَى الْكَافِرِينَ».<sup>۱</sup>

... چه بسیارند زنها و مردهای مؤمن که در گم کردن «ماء معین» دل سوخته و اندوهناک و سرگردان و ناراحت‌اند! گویی آن‌ها را می‌بینم که در بدترین وضعیت نومیدی هستند. (در هنگام ظهور) آن‌ها را صدا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶.

می‌کنند، با صدایی که از دور - همچون نزدیک - شنیده می‌شود که این ندا برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.

این اوصاف حال شیعه دلسوخته، هنگام گم کردن «ماء معین» است و حزن و اندوهی که برای محروم ماندن از این آب گوارا دارد. درد شیعه این است که این ماء معین چرا غائب شده است؟! چرا وقتی بخواهند دیگران را به سوی امام عصر علیه السلام متوجه سازند باید نشانی «بئر معطله»<sup>۱</sup> را بدهند<sup>۲</sup>؟!

با این همه، در عین ناامیدی، در زمانی که گمان نمی‌رود و با محاسبات عادی قابل پیش‌بینی نیست، به صورت ناگهانی ندای ظهور سر داده خواهد شد و یاران با وفای آن حضرت فرا خوانده می‌شوند. این ندای ملکوتی، دل‌های اندوهناک و سوخته مؤمنان را تسلی می‌بخشد و سبب عذاب کافران می‌گردد.

## ۲ - دین تراشی

امام رضا علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«زمانی بر مردم می‌آید که دل مؤمن در درونش آب می‌شود؛ چنان که سرب در آتش ذوب می‌گردد و این بدان جهت است که گرفتاریها و

۱. این اصطلاح برگرفته از آیه ۴۵ سوره مبارکه حج می‌باشد.

۲. با مراجعه به تفاسیر اهل بیت علیهم السلام می‌بینیم که در تفسیر «بئر معطله» فرموده‌اند: «کَم مِنْ عَالِمٍ لَا يُرْجَعُ إِلَيْهِ وَلَا يُتَفَعُّ بِعِلْمِهِ». [کنز الدقائق ۵۳۱/۶ بنقل از مجمع البیان] عالم به چاه آب تشبیه شده که از آن ماده حیات استخراج می‌شود و مراد از معطل و بدون استفاده ماندن چاه آب، مراجعه نشدن به عالم و بهره نبردن از علم اوست.

بدعت‌هایی در دینشان می‌بینند؛ ولی قدرت دگرگونی آن‌را ندارند»<sup>۱</sup>.

### ۳ - شک و تردید

فراز و نشیبهای دوران غیبت، گوهرهایی را که در وجود منتظران واقعی نهفته است ظاهر و استعدادهای نهانی آنان را آشکار می‌سازد. از طرف دیگر بسیاری از افراد سُست ایمان، دچار شک و تردید گردیده از آن حضرت روی برمی‌گردانند.

امام رضا علیه السلام از انکار مردم و شک آنها نسبت به وجود مقدس امام عصر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، فرزندم قائم با عهد و پیمانی که خداوند با من بسته است، غیبت می‌کند، تا جایی که اکثر مردم می‌گویند: خداوند نیازی به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ندارد، و گروهی نیز در ولادت او شک می‌کنند.<sup>۲</sup>

### ۴ - گسستن روابط

امام رضا علیه السلام فرمود:

مردمان را فتنه‌ای کوبنده و آشوبی کمرشکن خواهد بود، که پرده‌ها برداشته می‌شود و دوستی‌ها و خویشاوندیها از بین می‌رود و این هنگامی است که سومین امام از نسل فرزندم از دیده‌ها ناپدید شود.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۵، ص ۱۴۰.

۲. مسند الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲، ح ۲.

## ۵ - پناه‌جویی

حسن بن فضال گوید:

امام رضا علیه السلام فرمود: «گویی می‌بینم، که شیعیان به هنگام رحلت سومین فرزندانم (امام حسن عسکری علیه السلام) در طلب پناهگاهی هستند؛ ولی آن را نمی‌یابند.»

پرسیدم: چرا؟ ای فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

فرمود: «زیرا امامشان از دیده‌ها پنهان است.»

پرسیدم: چرا پنهان است؟

فرمود: «زیرا (نخواستند) است زیر بار هیچ حکومتی باشد و) هرگاه

با شمشیر قیام کند، بیعت احدى بر گردن او نباشد»<sup>۱</sup>.



## شایست‌ها و ناشایست‌ها در عصر غیبت

شیعه در دوران غیبت امام زمان علیه السلام تنها به خویش نمی‌اندیشد و تنها به هدایت خود و حفظ و نجات خود از ورطه گناه اهمیت نمی‌دهد؛ بلکه خود را در سرنوشت دیگران نیز سهیم می‌داند و در یاری رساندن به مردم، در دستگیری افتادگان، در بیدار سازی غافلان، در هدایت گمراهان و در ارشاد گنهکاران، خود را مسئول می‌شمارد.

او تنها به این بسنده نمی‌کند که خود امام زمان را می‌شناسد؛ بلکه می‌کوشد تا دیگران نیز آن مولای حقیقی و پیشوای الاهی را بشناسند. تنها به این اکتفا نمی‌کند که خود بر سبیل صلاح و تقوا حرکت کند؛ بلکه تلاش می‌کند تا دیگران را نیز به صراط مستقیم رهنمون سازد.

منتظر واقعی تلاش می‌کند تا با عمل به معروف‌ها (شایست‌ها) و ترک منکرات (ناشایست‌ها) این حجاب غیبت را از چهره جهان افروز آخرین خورشید آسمان امامت و ولایت بر طرف سازد؛ امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید فرموده است:

«آن چه ما را از ایشان پوشیده داشته است، نیست جز اخباری که از

کارهای ناپسند و نکوهیده آنان به ما می‌رسد».<sup>۱</sup>

برای نائل شدن به این هدف والا جای آن دارد که برخی از شایست‌ها و ناشایست‌ها را در پرتو کلام امام رضا علیه السلام بهتر بشناسیم.

### ۱ - نماز اول وقت

در یکی از مجالس مناظرات حضرت ثامن الحجج علیه السلام، عمران صابی - که از مادیگرایان بود - حضور یافت و در نزد مأمون درباره توحید، با امام هشتم علیه السلام به بحث پرداخت. هر سؤالی که مطرح می‌کرد، امام علیه السلام با استدلال محکم جواب او را می‌فرمود. بحث و مناظره به اوج خود رسیده و کاملاً داغ شده بود که وقت ظهر فرارسید. امام رضا علیه السلام به مأمون فرمود: «الصَّلَاةُ قَدْ حَضَرَتْ»: وقت نماز فرا رسید».

عمران صابی گفت: یا سیدی! لا تقطع عَلیّی مسألتي فقد رَقَّ قلبی: سرورم (دنباله بحث و بررسی و پاسخ به) سؤال مرا قطع مکنید؛ که احساس می‌کنم دلم نرم شده و آماده پذیرش حقیقت است.

اما امام رضا علیه السلام تحت تأثیر احساسات عمران صابی قرار نگرفته و نماز اول وقت را فدای بحث و بررسی نکرده فرمودند:

«نُصَلِّي وَنَعُودُ».

نماز را می‌گزاریم و باز می‌گردیم.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.



امام علیه السلام با همراهان نماز گزار دند و پس از نماز به مجلس باز گشته و به بحث ادامه دادند.<sup>۱</sup>

در بیان دیگری امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند:  
«شیطان پیوسته از مؤمن خائف و هراسان است؛ مادام که او نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با رعایت لوازم آن انجام دهد. پس هرگاه آنها را تباه کند، شیطان بروی غالب می‌شود و او را وارد گناهان بزرگ می‌کند».<sup>۲</sup>

بسیار شایسته است، دوستان و منتظران امام عصر علیه السلام از روش اولیای الهی الهام گرفته نسبت به اقامه نماز، بهتر عمل کنیم.

## ۲ - انس با قرآن

رجاء بن ضحاک گوید: امام رضا علیه السلام شبها بسیار قرآن تلاوت می‌کردند، هنگام رسیدن به آیه‌ای که در آن سخن از بهشت و دوزخ به میان می‌آمد، گریان شده و از درگاه خدا تقاضای بهشت می‌کردند، و می‌فرمود: «از آتش دوزخ، به خدا پناه می‌برم!»<sup>۳</sup>

آن حضرت هر سه روز یک بار قرآن را ختم نموده و می‌فرمود: «اگر بخواهم که در کمتر از سه روز قرآن را ختم کنم، می‌توانم؛ ولی هیچ آیه‌ای را نخواندم مگر این که در معنی آن اندیشیدم و در این که آن آیه

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۲.

در چه موضوع و در چه وقت نازل شده فکر کردم. از این رو، هر سه روز یک بار، همه قرآن را تلاوت می‌کنم.<sup>۱</sup>

### ۳ - یاری رسانی

در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام - که فتنه‌ها فزونی می‌گیرند و نابسامانیهای اجتماعی افزایش می‌یابند - بسیارند کسانی که از حقوق مسلم خویش محروم می‌مانند.

شیعه منتظر - اگرچه نتواند تغییری بنیادین در جامعه‌اش ایجاد کند - حداقل - تا آنجا که توان دارد - ضعیفان و بیچارگان را دستگیری می‌کند؛ به فقیران و مستمندان عطف می‌ورزد و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نمی‌ورزد.

به راستی یکی از زیباترین جلوه‌های بُعد اجتماعی انتظار، همین یاری‌رسانی‌هاست. کسی که خود را آماده می‌کند تا در دوران ظهور، در رکاب امام عصر علیه السلام، برای براندازی ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی، جهاد و مبارزه داشته باشد، اینک در دوره غیبت نسبت به رنج ستم‌دیدگان و محرومان و بیچارگان چگونه می‌تواند ساکت و بی‌اعتنا باشد؟!

در جریان شرف‌یابی علی بن مهزیار خدمت امام عصر ارواحنا فداه آن حضرت علت تأخیر در توفیق دیدار را ناشایستهای زیر دانسته‌اند:

---

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۵.

۱- مال اندوزی ثروتمندان و در نتیجه درماندگی ضعفای شیعه.

۲- قطع رحم (بریدن از خویشاوندان).<sup>۱</sup>

#### ۴- هشدار

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «برخی از کسانی که موَدّت و دوستی ما اهل بیت را دستاویز ساخته‌اند، زیان و فتنه‌انگیزی‌شان بر شیعیان ما از دَجّال<sup>۲</sup> بیشتر است».

پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! چرا فتنه‌شان از دَجّال بیشتر است؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «زیرا با دشمنان ما مهر و موَدّت می‌ورزند و نسبت به دوستان ما دشمنی و عداوت می‌نمایند. هرگاه چنین شد، حقّ و باطل به هم می‌آمیزد و حقیقت مشتبه گردیده در نتیجه انسان مؤمن از منافق باز شناخته نمی‌شود».<sup>۳</sup>



---

۱. پیام امام زمان علیه السلام، سید جمال الدین حجازی، ص ۴۷.

۲. دَجّال از کلمه «دَجَل» مشتق شده است؛ به معنای حق را به باطل آلودن، پوشاندن حق، خدعه و دروغ است. دَجّال صفت مردی است که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند؛ ولی آن حضرت فعالیت‌های او را عقیم و توطئه‌هایش را خنثی می‌سازد.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۹۱، ح ۱۱.

## وظایف شیعیان در عصر غیبت

### ۱ - شناخت امام علیه السلام

امام هشتم علیه السلام در نوشته‌ای خطاب به مأمون درباره شرایع دین فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ أُمَّتَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup>.

هرکس بی‌شناخت امامان خویش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

راستی چرا عدم شناخت ائمه علیهم السلام همپای شرک و جاهلیت، و تکذیب ایشان، همردیف کفر و بی‌ایمانی شمرده شده است؟! آیا غیر از این است که جز با شناخت امام علیه السلام، راه هدایت را نمی‌توان شناخت - و جز با معرفت او، به معرفت دینی صحیح نمی‌توان دست یافت؟  
به یقین، شناخت امام عصر علیه السلام - که کلید همه معارف وحی است - تنها با یادگیری نامها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت آن حضرت حاصل نمی‌شود.

باید جایگاه امامت را شناخت.

باید در حکمت نامها و نشانه‌های او اندیشید .  
 باید در شگفتی‌های ولادت و حیات او تأمل کرد .  
 باید غیبت پر رمز و راز او را به بررسی نشست و عوامل و لوازم آن  
 را با نگاهی مسؤولانه جست‌وجو کرد .  
 باید در کلمات و فرموده‌های حضرتش دقت نمود<sup>۱</sup> .  
 باید آن‌چه را که سبب خوشنودی و ناخشنودی اوست باز شناخت .  
 و بالاخره ... اهداف و آرمان‌های او را باید فهمید .  
 این اندیشه و تأمل و بررسی و دقت و تدبّر و فهم و شناخت ،  
 مقدمه‌ای تعهدآفرین برای اطاعتی تعبدآمیز از امام زمان علیه السلام است و  
 چنین اطاعتی ، عین اطاعت از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که غایت ایمان و  
 اسلام به شمار می‌آید ؛ به طوری که اصلاً دین در معرفت آن حضرت  
 خلاصه می‌شود . اصل اعتقاد به امام زمان علیه السلام و رجوع به ایشان و تسلیم  
 در برابر آن بزرگوار ، بالاترین راه بندگی خدا و روح همه اعمال عبادی  
 در دین به حساب می‌آید . به همین دلیل است که در یکی از زیارات امام  
 عصر ارواحنا فداه می‌خوانیم :

«السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْتُورِ»<sup>۲</sup> .

سلام بر دین (به ما) رسیده .

وجود مقدّس ولی عصر علیه السلام و معرفت به ایشان همان دینی است که  
 خدای متعال از بندگان خواسته و بر پیامبرش نازل فرموده است و در

۱ . کلمة الامام المهدي .

۲ . مفاتیح الجنان ، زیارت سرداب مطهر .

قیامت در مورد آن سؤال خواهد فرمود.

ابراهیم بن عباس صولی گوید: در محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم. جمعی از دانشمندان سنی نیز حضور داشتند درباره این آیه سؤال شد: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾<sup>۱</sup> این نعمتی که خداوند در قیامت از آن سؤال می‌کند چیست؟ یکی از آنها جواب داد: این نعمت آب خنک است!

امام رضا علیه السلام با صدای بلند فرمود: شما این‌گونه قرآن را تفسیر می‌کنید! یکی می‌گوید: منظور از نعیم، در این آیه، «آب خنک» است؛ دیگری می‌گوید: منظور «غذای لذیذ» است و آن یک می‌گوید: منظور «خواب راحت و آسوده» است؛ ولی پدرم از پدرش امام صادق علیه السلام نقل فرمود که همین سخنان در مورد تفسیر «نعیم» در محضرش مطرح شد. آن حضرت خشمگین گردید و فرمود:

همانا خداوند، بندگانش را در مورد آنچه به آنها تفضل و مرحمت فرموده، بازخواست نمی‌کند و به خاطر آن بر آنها منت نمی‌گذارد. منت نهادن بر انسانها در مورد نعمتهای مادی پسندیده نیست. پس چگونه رواست که چنین کاری ناپسند، به خداوند نسبت داده شود؟! منظور از نعیم، دوستی و ولایت ما خاندان رسالت است. خداوند در این باره، پس از مرحله توحید و نبوت، بندگانش را مورد سؤال قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

برکات پذیرفتن این ولایت تا بدانجاست که امام هشتم علیه السلام می‌فرماید:

۱. تکاثر (۱۰۲): ۸. «سپس بی‌تردید در همان روز از نعمت پرسیده خواهید شد».

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۶۴.

«حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ لَنَا رَفِيقًا لِلنَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ  
وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا».<sup>۱</sup>

بر خداوند است که دوستان ما را، که بحق به مقام ولایت و معرفت ما  
پیشوایان نایل شده‌اند، همدم و رفیق پیامبران، راستگویان، شهیدان و  
شایستگان قرار دهد و آنان نیکو رفقای هستند.

## ۲ - یاد و محبت امام علیه السلام

محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام معنای آیه زیر را پرسیدم:  
﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾<sup>۲</sup>؟ «بگو به فضل و  
رحمت خداست که باید شاد شوند و این از هرچه گرد می‌آورند بهتر است».

امام علیه السلام فرمود: «- مقصود این است که - به دوستی پیامبر و خاندان  
او باید شادمان باشند که آن بهتر است از دنیایی که آنها جمع کنند».<sup>۳</sup>  
وقتی انسان کسی را دوست می‌دارد، به اندازه محبتش نسبت به او،  
از یاد او غافل نمی‌شود؛ چون پیوند قلبی‌اش با محبوب به اندازه‌ای  
قوی است که نمی‌تواند او را فراموش کند.

لذا اهل ایمان در زمان غیبت - اگرچه از دیدن پیشوای خود  
محروم‌اند - هرگز او را از یاد نمی‌برند.

شخصی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد آیه شریفه:

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۰۷، ح ۴.

۲. یونس (۱۰): ۵۸.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۷.

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ «ونعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام کرد»<sup>۱</sup> پرسید، آن حضرت چنین پاسخ دادند:

«نعمت ظاهری امام ظاهر و آشکار است و نعمت باطنی امام غایب».

سپس راوی سؤال کرد: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ فرمودند:

«بله، جسم او از دیدگان مردم پنهان می گردد؛ ولی یاد او از دلهای اهل

ایمان غایب نمی شود. او دوازدهمین نفر از ما (امامان) است».<sup>۲</sup>

آری، مردم بی ایمان ممکن است او را فراموش کنند؛ چون نسبت به

او معرفت ندارند و او را نمی شناسند؛ اما آن که او را می شناسد و اهل

معرفت و ولایت اوست و دل در گرو محبت او دارد، چگونه ممکن

است فراموشش کند؟! آن قدر مؤمنان زمان غیبت باید پیوند خود را با

حجت خدا قوی کرده باشد که هرگز از یاد او غفلت نکنند و هیچ چیز

آنها را از یاد محبوب باز ندارد.

این آرزوی همه مؤمنان است که از خدا مسئلت دارند:

«اللهم... وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ».<sup>۳</sup>

«خداوندا! یادش را از صفحه خاطر ما مبر».

دمی کان بگذرد بی یاد رویش      از آن دم بی شمار استغفر الله

حضرت ثامن الحجج علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید که:

«هرکس دوست دارد خدای را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و

۱. لقمان (۳۱): ۲۰.

۲. کمال الدین، باب ۳۴، ح ۶.

۳. مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام عصر علیه السلام.



اسلامش نیکو باشد، محبت حجت منتظر صاحب الزمان علیه السلام را پیشه خود قرار دهد که او و دیگر پیشوایان، چراغهای روشن در تاریکی های زندگی و امامان هدایت و نشانه های تقوایند؛ من برای هر که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود، از سوی خدای تعالی بهشت را ضمانت می کنم»<sup>۱</sup>.

### ۳ - حب و بغض

حضرت رضا علیه السلام می فرمایند:

«شِيعَتُنَا الْمُسَلِّمُونَ لِأَمْرِنَا، الْآخِذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالِفُونَ لِأَعْدَائِنَا؛ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا»<sup>۲</sup>.

پیروان ما کسانی اند که به امر ما گردن می نهند و به گفتار ما عمل می کنند، با دشمنان ما مخالفت می ورزند؛ پس هر که چنین نباشد، از ما نیست.

زمانی که حضرت رضا علیه السلام عازم خراسان بودند مردی سنی از اهالی کرمند شتربان امام بود و چون رسیدند و خدمتش تمام شد آنگاه که می خواست برگردد به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا! مرا به مختصری از خط مبارکتان مشرف گردانید تا به آن تبرک جویم. امام علیه السلام این عبارت را برای او مرقوم فرمودند:

«... كُنْ مُحِبًّا لِآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنْ كُنْتَ فَاسِقًا، وَمُحِبًّا لِمُحِبِّهِمْ وَإِنْ كَانُوا فَاسِقِينَ»<sup>۳</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲. همان، ج ۶۵، ص ۱۶۷، ح ۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۲، ح ۲۳.

دوستدار آل محمد باش؛ اگرچه فاسق باشی و دوستدار دوستان ایشان باش؛ اگرچه آنها فاسق باشند.

همچنین دربارهٔ بیزاری جستن و اجتناب از مساعدت و معاونت دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام به سلیمان بن جعفر جعفری فرمودند:

«یا سلیمان، الدُّخُولُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَالْعَوْنُ لَهُمْ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ عَدِيلُ الْكُفْرِ، وَالنَّظَرُ إِلَيْهِمْ عَلَى الْعَمْدِ مِنَ الْكِبَائِرِ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا النَّارُ»<sup>۱</sup>.

ای سلیمان، وارد شدن به دستگاه دشمنان و کمک به آنها و کوشش در تأمین نیازهایشان، معادل کفر است و توجه عمدی به ایشان، در زمرهٔ گناهان بزرگی است که آتش دوزخ سزای آن است.

#### ۴ - برترین الگو

از آنجایی که طبق آیه شریفهٔ قرآن کریم، وجود مقدس پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای انسانها أسوه و الگو است - که: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۲</sup> - امام عصر علیه‌السلام نیز وارث کمالات آن حضرت‌اند و همهٔ انسانها باید در جهت رسیدن به کمالات، آن حضرت را سرمشق و الگوی خود قرار دهند.

امام هشتم علیه‌السلام در همین ارتباط در تفسیر آیه: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ»<sup>۳</sup> می‌فرماید:

۱. همان، ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۵.

۲. احزاب (۳۳): ۲۱.

۳. قصص (۲۸): ۵۰. «آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده، و هیچ ←

«مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى»<sup>۱</sup>.

منظور از این آیه کسی است که هدایت از امامان هدایتگر نجوید و هوا و هوس خویش را دین خود داند.

\* بنابراین کسی که خود را صادقانه پیرو امام زمان علیه السلام می داند، وظیفه دارد در همسو کردن زندگی، همسان نمودن خُلق و خوی، هم‌رنگ ساختن اعمال و رفتار خویش با او بکوشد و خواسته‌های حضرت را بر تمایلات خود مقدم دارد.

\* کسی که امام زمان علیه السلام را زاهد و بی‌اعتنا به دنیا دانست، دیگر نمی‌تواند با ادعای پیروی از او حریصانه به دنبال دنیا باشد و همّت خود را در نیکو پوشیدن و خوب خوردن و لذات دنیوی خلاصه کند.

\* کسی که امام زمان علیه السلام را به اهتمام در دعا و عبادت شناخت، دیگر نمی‌تواند نسبت به دعا بی‌تفاوت بوده و در نماز و راز و نیاز با خدا، سستی و کم‌توجهی روا دارد.

امام زمان علیه السلام، شب‌ها بیدار است؛ ستاره‌ها می‌شمارد؛ شب زنده‌داری می‌کند و مشغول عبادت و بندگی است. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

«بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَزْعَى النُّجُومَ سَاجِداً وَرَاكِعاً!»<sup>۲</sup>

پدرم فدای کسی که شب هنگام، در حال سجده و رکوع (است و) ستارگان را شبانی می‌کند!

---

← هدایت الاهی را نپذیرفته پیدا می‌شود؟».

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۳۲، ح ۸۲.

۲. فلاح السائل، ص ۲۰۰.

روشنی بخش دیده‌ام مهدی      بی تو عالم به چشم من تار است  
به صفایت قسم گل نرگس      جز تو هر گل که دیده‌ام خار است  
نرگس مست چشم تو نازم      که سحرها همیشه بیدار است

کسی که امام زمان علیه السلام را به دادگری و عدالت‌گستری باور داشت دیگر نمی‌تواند با ادّعیای اقتدای به او، بر بندگان خدا ستم کند و نسبت به مظلومی که بر آنها می‌شود، بی تفاوت بماند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که قائم ما، قیام کند، در بین آفریدگان خدا به عدالت رفتار می‌کند، چه نیکوکار باشند و چه بدکردار.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسانی که مقید به پیروی از امام عصر علیه السلام هستند چنین مژده فرموده:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ...»<sup>۲</sup>

خوشا به حال آن کس که قائم اهل بیت مرا درک کند در حالی که در زمان غیبت و دوران قبل از قیام او به او تأسی جوید.

بنابراین کسی که امام را به عنوان الگو و مقتدای خویش انتخاب کرد، خود را در جمیع جهات تابع و پیرو آن حضرت می‌داند و معتقد است که: «رَأَيْتُمْ لَكُمْ تَبِعٌ»، رأی من تابع شماست.

۱. منتخب الاثر، ص ۳۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

## ۵ - فرمانبرداری

خدا هیچ پیامبری را نفرستاد مگر برای آن که اطاعت شود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>.

همچنین هیچ امامی را منصوب نفرمود مگر آنکه مردم را به اطاعت و فرمانبری از او فرا خواند: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۲</sup>.  
 اگرچه امام زمان علیه السلام در غیبت به سر می‌برند، اراده و فرمانش در میان همه خلائق جاری و نافذ است. دستورات حضرتش را باید شناخت و از آنها اطاعت کرد و حاکمیت او را گردن نهاد. همین‌هاست که زمینه ظهور آن حضرت را فراهم خواهد ساخت.  
 خود آن بزرگوار می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا»<sup>۳</sup>.

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند - در وفای به عهد الهی هم دل و هم پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد.

به راستی آیا عهد الهی چیزی جز پرستش و بندگی خداست؟ آیا این پرستش جز با اطاعت محض از ولی خدا تحقق‌پذیر است؟

۱. نساء (۴): ۶۴.

۲. نساء (۴): ۵۹.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.

«طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ!»<sup>۱</sup>

خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام ما، آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان دستورات وی!

منتظران حضرت مهدی علیه السلام همان نیکبختانی هستند، که جز اطاعت نمی‌شناسند و جز به فرمان او کاری انجام نمی‌دهند. این اطاعت و فرمان‌پذیری از امام عصر علیه السلام باید به گونه‌ای باشد که امام صادق علیه السلام توصیف می‌فرماید:

«هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا»<sup>۲</sup>.

اطاعت و فرمان‌پذیری منتظرین از امام زمان علیه السلام، افزون‌تر از اطاعت و فرمان‌بری کنیزی از مالک و مولای خود است.

امام باقر علیه السلام نیز خرسندی خدا را در اطاعت از امام می‌دانند:

«ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَسِنَامُهُ وَمِفْتَاحُهُ وَبَابُ الْأَشْيَاءِ وَرِضَا الرَّحْمَانِ الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ»<sup>۳</sup>.

بالاترین و مرتفع‌ترین و کلید همه امور دینی و مدخل آنها، و مایه خرسندی خدای رحمان، پس از معرفت امام اطاعت از اوست.

## ۶ - رعایت ادب

بزرگ‌داشت کریمان و تجلیل از انسانهای وارسته، همیشه و در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰، امام صادق علیه السلام.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۹.

همه جا پسندیده است؛ چنان که برای پیامبر ﷺ و فرزندان معصومش ﷺ بالاترین تکریم‌ها و تجلیل‌ها شایسته و بایسته به نظر می‌رسد؛ اما برخاستن و در حال قیام «دست بر سر نهادن» تواضع و احترامی است که هنگام شنیدن نام هیچ‌کس، جز «قائم آل محمد ﷺ» به صورت سیره و سنت مؤکد در نیامده است.

امام رضا ﷺ هنگام ذکر نام «قائم» ارواحنا فداه از جای برخاسته، و دست بر سر می‌نهاده و می‌فرمود: «خدایا فرجش را برسان و قیامش را آسان گردان». <sup>۱</sup>

از امام صادق ﷺ سؤال شد: علت برخاستن، در موقع شنیدن نام حضرت قائم ﷺ چیست؟

فرمود: زیرا برای او غیبتی طولانی است، و از شدت مهربانی خود نسبت به دوستانش، هر کس را که به این لقب از او یاد کند، به دیده عنایت می‌نگرد؛ زیرا این لقب یادآور قیام آن حضرت می‌باشد و به خاطر بزرگداشت آن وجود مقدس است که باید بنده خاضع و فروتن، هنگامی که حضرت مهدی ﷺ با دیدگان شریفش به او نگاه می‌کند، برخیزد و احترام کند و تعجیل فرج او را از خدای تعالی بخواهد. <sup>۲</sup>

پیام این «قیام»، احترام به حضرت قائم ﷺ و اعلام آمادگی برای آرمانهای مقدس و قیام جهانی اوست.

## ۷ - احترام نسل پاکان

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند:

نظر کردن بر فرزندان ما عبادت است .

سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! نگاه کردن به پیشوایان از دودمان

شما عبادت است یا نظر کردن به همه فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: بلکه نگرستن به همه فرزندان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عبادت است تا وقتی که از راه و روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

جدا نشوند و به گناه آلوده نگردند.<sup>۱</sup>

## ۸ - انتظار فرج

در روایات اهل بیت علیهم السلام، ظهور امام عصر علیه السلام، همچون زمان

برپایی قیامت به صورت کاملاً ناگهانی (بغتة) معرفی شده است. لذا

امید ظهور آن حضرت، در هر صبح و شام، وجود دارد و باید همواره

منتظر قدوم آن عزیز بود.

نکته قابل تأمل این است که، انتظار فرج، با تقوی قرین است نه با

معصیت و پلیدی. لذا انتظار ظهور امام زمان علیه السلام باید همراه با طهارت

جسم و روح باشد، همین است که فرموده اند: انسان منتظر بسان مجاهد

فی سبیل الله است که در خون خود دست و پا می زند.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۱۸، ح ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۶۱، ح ۱۱۳، حضرت علی علیه السلام.



از برکات دیگر انتظار فرج گشایش در کارهای خودمان است چنان  
که در روایات هم به این مهم تصریح گردیده است.  
امام هشتم علیه السلام فرمودند:

«أَلَيْسَ إِنتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؟ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «فَإِنْتِظِرُوا  
إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»<sup>۱</sup>»<sup>۲</sup>.

آیا انتظار فرج خود (بخشی) از فرج نیست؟ خدای عزوجل  
می فرماید: پس انتظار کشید که همانا من هم با شما از منتظرانم.

منتظران را به لب آمد نفس	ای شه خوبان تو به فریاد رس
ما همه موریم سلیمان تو باش	ما همه جسمیم بیا جان تو باش
لب بگشا تا همه شکر خورند	ز آب دهانت رطب تر خورند
خطبه تو خوان تا خطبا دم زنند	سکه تو زن تا امرا کم زنند <sup>۳</sup>

## ۹ - مهر محبوب

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«اهل آسمان وزمین وهر زن و مرد دل سوخته و هر دل غمین و  
اندوهگین، بر آن حضرت (امام زمان علیه السلام) گریه می کنند»<sup>۴</sup>.

زگریه مردم چشمم نشسته در خون است

بین که در طلبت حال مردمان چون است

۱. اعراف (۷): ۷۱.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰، ح ۵۲.

۳. نظامی گنجوی.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۲.

باید دانست که محبت هر چند امری است پوشیده و مخفی و عملی است باطنی و قلبی، ولی آثار و دلایل آشکار و شاخه‌های بسیار دارد. محبت بسان درخت پربرگ و باری است که بر شاخه‌هایش گلهای رنگارنگ نشسته، بعضی از آثار آن در زبان و بعضی در اعضاء و جوارح انسان، آشکار می‌گردد.

گویند که در سینه، غم عشق نهان ساز

در پنبه چسان آتش سوزنده بپوشم؟

همانطور که درخت هرچه بیشتر رشد کند و پرورش یابد، گلهای و شکوفه‌هایش فزونتر شود، همچنان، هرچه محبت و دوستی نیرومندتر گردد، آثار و نشانه‌های آن بیشتر می‌شود. چنانکه از آثار محبت در چشم، بی‌خوابی و اشکباری است، و در زبان، یاد کردن از محبوب، همیشه و همه جا است. خدای تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید:

«یا مُوسَىٰ إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ»<sup>۱</sup>.

ای موسی یاد من در همه حال نیکوست.

خداوند متعال محبت و مودت اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر همگان واجب و به عنوان مزد رسالت پیامبر مطرح فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۲</sup>.

اظهار دوستی و علاقه به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عنوان اجر رسالت،

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸.

۲. شوری (۴۲): ۲۳. «بگو من از شما جز مودت و محبت خویشاوندانم اجر و مزدی برای رسالت نمی‌خواهم».

منفعتی برای پیامبر و اهل بیت ندارد بلکه تنها مؤمنان در دنیا و آخرت از آن بهره‌مند خواهند شد. «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ»<sup>۱</sup>.

در حقیقت همین مودت و ارتباط‌های روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌سازد، و سلوک انسان را در راستای اراده حق متعال شکل می‌دهد.

با محبت امام زمان علیه السلام است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌شود، و با اطاعت از اوست که راه کمال انسان بسوی خدا هموار می‌گردد.

محبت، اساس و پایه دین، بلکه مساوی با دین است.

«هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟»<sup>۲</sup>

دین خدا جز با تکیه بر محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام استقرار نمی‌یابد. از این رو انتظار حاکمیت و غلبه دین در جهان، به نوعی انتظار جهانی شدن محبت و ولایت امام زمان علیه السلام است.

و شاید به همین خاطر باشد که امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا»<sup>۳</sup>.

پس هریک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند، عمل نماید.

از این رو هرگونه عملی که بتواند، مقدمه‌ای برای ایجاد محبت

۱. سبأ (۳۴): ۴۷.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷، به نقل از امام صادق علیه السلام.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۹.

بیشتر نسبت به امام زمان علیه السلام باشد، انجام آن وظیفه‌ای بر عهده شیعیان خواهد بود.

#### ۱۰ - یاد محبوب

اگر کسی امام زمان علیه السلام را شناخت، دیگر یادش را از خاطر نخواهد برد.  
اگر کسی مهربانی‌های او را دید، دیگر فراموشش نخواهد کرد.  
اگر کسی طعم شیرین انس با امام زمان علیه السلام را چشید همیشه به یادش خواهد بود.

بیان شیوائی است از مولا علی علیه السلام که:

«مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لِهَجِّ بَدِكْرِهِ»<sup>۱</sup>.

هر که، چیزی را دوست بدارد همواره نام آن را بر زبان دارد.

از جمله راههای مداومت در ذکر و یاد حضرت، سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب امام عصر علیه السلام است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«هر مؤمنی که در مدح ما شعری بسراید، خداوند در بهشت منزلگاهی را برای او بنا می‌کند که وسعتش هفت برابر دنیا است، و در آن جا، هر فرشته مقرب و هر پیامبر فرستاده شده‌ای او را زیارت می‌کند»<sup>۲</sup>.

زمانی که امام رضا علیه السلام از نزد مأمون باز می‌گشتند، ابو نواس شاعر

۱. غرر الحکم و دُرر الکلم، ج ۵، ح ۷۸۵۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۸.

نزد آن بزرگوار رفته و عرض سلام کرد و گفت: ای پسر پیامبر! من درباره شما اشعاری سروده‌ام، دوست دارم شما آن را بشنوید. فرمودند: اشعارت را بیاور.

وقتی ابو نواس اشعار خود را قرائت کرد، فرمودند: «به یقین هیچکس در سرودن اشعاری که برای ما آوردی بر تو سبقت نگرفته بود، خداوند بهترین پاداش را به تو عنایت فرماید». سپس از غلام خود سؤال کردند: آیا از خرجی چیزی نزد تو هست؟

پاسخ داد: آری! سیصد دینار.

حضرت امر کردند آن را بیاورد و به شاعر تقدیم نماید. سپس به غلام فرمود: شاید آنها در نظرش کم جلوه کند. مرکب را هم بیاور، غلام آن را آورده و حضرت آن را به ابو نواس اهداء نمود.<sup>۱</sup>

## ۱۱ - دعا برای محبوب

دعا اساس و روح عبادت می‌باشد.

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ».<sup>۲</sup>

دعا مغز عبادت است.

ائمہ بزرگوار شیعه، علاوه بر اینکه خود مقید به دعا برای امام زمان علیه السلام بوده‌اند، پیروان خود را نیز به چنین مهمی ترغیب می‌فرموده‌اند: یونس بن عبدالرحمان گوید: امام رضا علیه السلام همواره به دعا برای

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۴۸، ح ۲۴.

۲. نهج الفصاحة به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

صاحب الامر علیه السلام فرمان می‌داد. <sup>۱</sup> حتی وجود مقدس امام عصر علیه السلام نیز در این خصوص به شیعیان و پیروان خود دستور داده‌اند:

«وَأَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ».<sup>۲</sup>

برای تعجیل در امر فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا گشایش شما در آن است.

امام صادق علیه السلام در شب قدر، با اصرار زیاد در محضر حق متعال به راز و نیاز مشغول و برای فرج و سلامتی موعود منتظر دعا می‌فرمود.

البته دعا برای امام زمان علیه السلام به صرف توصیه انجام نمی‌شود، بلکه باید روح محبت در آن باشد، تا دعا کننده بدون تکلف و تصنع و تنها با انگیزه اظهار محبت، برای محبوب خود دعا کند. با وجود چنین انگیزه‌ای دیگر نیازی به توصیه و تأکید نیست. به عنوان مثال، انسان برای بیماری یا مشکل پدرش ناآرام و حتی بی‌تاب می‌شود، و بطور طبیعی برای پدرش دعا می‌کند، و بدون نیاز به سفارش کسی، در هر مکان و زمان مناسبی او را یاد می‌کند. گاهی آن قدر یاد پدر، قلب او را پر می‌سازد که خودش را از یاد می‌برد، و در این حالت فقط برای او حاجت می‌خواهد.

کسانی که در والای معرفت، قلبشان مالا مال از محبت امام زمان علیه السلام شده است، چنین حالتی دارند.

این حالت، که شخص در حالات خوش معنوی، فقط و فقط برای امام زمانش دعا کند، برای کسانی که آن درجه از محبت او را نچشیده‌اند،

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۳۰، ح ۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

قدری سنگین و تکلف‌آور به نظر می‌رسد، زیرا آنها چنان محبتی را در خود نیافته‌اند که خودشان را از یاد ببرند، و تماماً به امام زمانشان بیاندیشند. فقط اکسیر محبت، چنین تحولی را در افراد ایجاد می‌کند. برای اینکه نظر علاقه‌مندان، به اثرات و برکات دعای بر فرج معطوف گردد بسیار مناسب است که به روایتی از امام صادق علیه السلام در این ارتباط اشاره گردد:

مفضل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«هنگامی که گرفتاری بنی‌اسرائیل به درازا کشید و ظلم و ستم بر ایشان از هر سوی باریدن گرفت، چهل روز صبحها روی به درگاه الهی آورده، ضجّه و گریه آغاز نموده و به دعا قیام کردند، پس از آن دریای رحمت الهی با دعای بنی‌اسرائیل به جوشش درآمد و خداوند به حضرت موسی و هارون علیهما السلام وحی فرستاد که بامدد غیبی، بنی‌اسرائیل را از شر فرعون نجات بخشند و صد و هفتاد سال از گرفتاری آنها کاست.

سپس امام ششم علیه السلام فرمود:

شما هم اگر مانند بنی‌اسرائیل به درگاه خدا دعا کنید خداوند فرج ما را نزدیک خواهد فرمود. اما اگر چنین نکنید این سختی، به نهایت مدّتش خواهد رسید.<sup>۱</sup>

در اینجا برای تأکید بیشتر به فرازی از وصیت مرحوم سید بن طاووس رحمته الله در اهمیت دعا بر فرج حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌گردد:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴.

«... اگر دعا برای برادران دینی این اندازه فضیلت دارد، پس فضیلت دعا برای سلطان تو که علت هستی توست، چقدر خواهد بود؟ تو خوب می‌دانی و معتقدی که اگر حضرتش نبود خدای متعال تو را نمی‌آفرید. نه تو را بلکه هیچ فردی از افراد زمان او و زمان تو را نمی‌آفرید و لطف الاهی به سبب وجود شریف او علت هستی تو و دیگران شده است، و او سبب رسیدن بشریت به همه خوبیهاست. بپرهیز، از آن که خویش یا فرد دیگری را در دوستی و دعا بر آن حضرت، مقدم بداری. دل و زبان خویش را به دعا برای مولای عظیم الشأن یکی نموده، و حواست را جمع نما. مبادا به خاطر آنچه که گفتم گمان کنی که او به دعای تو نیازمند است. هیئات! اگر عقیده تو چنین باشد، در اعتقاد و دوستی خود بیمار هستی. بلکه آنچه را گفتم به خاطر این بود که حق عظیم و احسان بزرگ او را برای تو بیان کرده و بشناسانم.

بدیهی است که اگر پیش از آن که برای خود و عزیزانت دعا کنی، برای او دعا نمایی، خدای متعال درهای اجابت را هرچه زودتر در مقابل تو باز می‌نماید؛ زیرا که تو ای بنده خدا، درهای پذیرش دعا را، با قفل‌های جنایت خود بسته‌ای، بنابراین اگر با دعا برای مولا، به پیشگاه مالک و صاحب اختیار زندگان و مردگان بروی و دعا کنی، امید است که به خاطر آن بزرگوار، درهای اجابت بر تو باز شود، تا خود و دیگران که برای آنها دعا می‌کنی، مشمول فضل الاهی گردیده و رحمت و کرم و عنایت خدا شامل حالتان گردد؛ زیرا تو در دعای خود به ریسمان او



چنگ زده‌ای. شاید بگویی فلانی و فلانی که از اساتید تو هستند، از مولای ما غافل هستند و در مورد او کوتاهی و سستی می‌ورزند. آنچه را که برای تو گفتم، عمل کن، که آن حقیقتی است روشن، و کسی که در مورد مولای ما سهل‌انگاری کند و سستی ورزد و از آنچه بیان کردم غافل گردد، به خدا سوگند به اشتباهی که مایه ننگ و عار است مبتلا است.

بنابراین، در نمازهای واجب، از زیاد دعا کردن برای آن حضرت خودداری مکن، باز تکرار می‌کنم و می‌گویم، که به خاطر آنچه بیان کردم، عذری برای تو در اهمیت ندادن به دعا برای تعجیل ظهور باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup>

## ۱۲ - حضور دائم

به استناد قرآن کریم، و روایات بسیار یکی از معتقدات قطعی همه مسلمین، عرضه اعمال توسط دو ملک مقرب به محضر پروردگار، یا پیامبر و ائمه علیهم‌السلام می‌باشد از جمله آیاتی که دلالت بر این مطلب دارند دو آیه ذیل است:

الف: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ \* كِرَامًا كَاتِبِينَ \* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾.<sup>۲</sup>

به راستی بر شما نگهبانانی هستند، نویسندگانی گرامی که آن چه را می‌کنید می‌دانند.

۱. فلاح السائل، ص ۱۱۲، و ادب حضور (ترجمه فلاح السائلین)، ص ۹۸.

۲. انفطار (۸۲): ۱۰-۱۲.

ب: ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾<sup>۱</sup>.

بگو عمل کنید که خدا و پیامبرش و مؤمنان راستین رفتارشان را به زودی خواهند دید.  
مفسر گرانمایه، شیخ ابو علی طبرسی در تفسیر خود در مورد آیه  
اخیر عباراتی دارد که ترجمه آن این است<sup>۲</sup>:

«عالمان شیعی احادیثی نقل نموده‌اند حاکی از این که، اعمال امت  
در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه بر پیامبر و ائمه عرضه می‌شود، و ایشان  
از آن‌ها آگاه می‌گردند. مقصود از مؤمنون در آیه یاد شده، ائمه هستند.»  
«موسی بن سیار» می‌گوید: در محضر حضرت رضا علیه السلام به دروازه  
شهر طوس رسیدیم، صدای گریه‌ای شنیده شد. حضرت رضا علیه السلام  
شتابان از اسب پیاده شده و به سوی جنازه‌ای رفتند و آن را بدوش گرفته  
و مانند مادر مهربانی که از کودکش دلجویی می‌کند به آن میّت اظهار  
محبت می‌کرد، سپس به من فرمود:

ای موسی بن سیار! هرکس جنازه‌ی یکی از دوستان ما را تشییع کند،  
از گناهان خود بیرون رود، همچون روزی که از مادر به دنیا آمده و هیچ  
گناهی بر او نیست.

و چون آن میّت در کنار قبرش بر زمین گذاشته شد، دست خود را بر  
سینه او نهاد و فرمود:

ای فلان! مژده باد تو را به بهشت که پس از این ساعت بر تو، ترسی  
نیست.

۱. توبه (۹): ۱۰۵.

۲. مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۹.

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت کردم، آیا این مرد را می‌شناسی؟ چون این جا، سرزمینی است که تاکنون قدم بر آن ننهاده بودی!

حضرت فرمود: ای موسی بن سیار! مگر نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما، هر صبح و شام بر ما عرضه می‌شود؟ پس، از خدا برای گنه‌کاران عفو و بخشش و برای توفیق یافته‌گان در امور خیر پاداش نیک مسئلت می‌نمائیم.<sup>۱</sup>

همچنین مضمون نامه‌ای که برای شیخ مفید از ناحیه مقدّس حضرت مهدی علیه السلام صادر شده، حاکی از آگاهی امام از وضعیّت و احوال شیعیان است، چنانچه آمده است: «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و چیزی از اوضاع شما بر ما، پوشیده و مخفی نمی‌ماند».<sup>۲</sup>

بنابراین، انسانی که خود را در محضر امام عصر علیه السلام می‌یابد، در راه دفاع از ارزشهای ولایت از مال، امکانات و توانائی‌ها بایستی مایه بگذارد. بالاتر از آن در راه مبارزه با شیطان و خواسته‌های نفسانی، از لذت‌هایش، از خوشی‌هایش، از آرزوهایش بگذرد و در مقابل وسوسه‌های پیایی شیطان و جاذبه‌های همیشگی گناه و فریبندگی‌های نیرومند دنیا، مقاومتی سخت و طولانی داشته باشد.

علی بن جُهمّ گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: فدایتان شوم میل دارم بدانم موقعیت و اعتبار من نزد شما چگونه است؟

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۸.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

حضرت فرمود: نظر کن، من نزد تو چگونه‌ام.<sup>۱</sup>  
بنابراین بابی مبالاتی و عدم پرهیز از گناه، خود را «شیعه منتظر»  
دانستن، یا بالاتر از آن خود را «یاور منتظر» به شمار آوردن پنداری  
است غلط و بیهوده!

### ۱۳ - نگاهبانی و پاسداری

احیای امر آل محمد علیهم‌السلام که در احادیث فراوانی بدان تصریح شده،  
همین تعلیم و تعلم علوم امامان و عمل به آنهاست، که عین علوم قرآن  
است. هر وی از قول ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نقل می‌کند  
که آن بزرگوار فرمودند:

رحمت خدا بر آن بنده‌ای که امر ما را زنده کند.

(راوی) گوید: به آن حضرت عرض کردم: چگونه امر شما را زنده  
کند؟

فرمود: علوم ما را بیاموزد و به مردم یاد دهد، اگر مردم محاسن و  
نیکوئیهای کلام ما (معصومین) را بدانند هر آینه از ما پیروی می‌کنند.

مردم با کلام زیبا و دلگشای اهل بیت علیهم‌السلام آشنا نیستند. این وظیفه  
مبلغین اسلامی است، که در مقام تعلیم و تعلم و عمل به علوم خاندان  
رسالت، و بیان ظرافت کلام آن بزرگواران، بیش از هر امری اهتمام  
بورزند، غوص در دریا‌های پیچیده کلام فلاسفه و متکلمین و عارفانی  
که مرام آنها با معارف اهل بیت علیهم‌السلام اختلاف بنیادی دارد، جز اتلاف

عمر و از دست دادن موقعیتها و فرصتهای زودگذر، چه فایده دیگری خواهد داشت؟ کلام و سخن ائمه علیهم السلام نور است، به تعبیر حضرت رضا علیه السلام اگر مردم زیباییهای کلمات ائمه را بدانند قطعاً از ایشان پیروی خواهند نمود.

#### ۱۴ - تقیه و صبوری

در ادامه رسالت منتظران حقیقی، صبر، مقامی بس ارجمند دارد، به بیان امام رضا علیه السلام:

«ما أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَأَنْتِظَارَ الْفَرَجِ! ... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ».<sup>۱</sup>

وه! چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج ... پس بر شما باد به شکیبایی.

تاکتیک پیروز کننده «صبر»، همچون مکتب سازنده «انتظار» دچار تحریف و اتهام مخالفان دین شده، آن را مایه تسلیم و شکست و نشانه سستی و درماندگی پنداشته‌اند، در حالی که «صبر» «مقاومت» است و «استقامت».<sup>۲</sup>

بنابراین، صبر کمینگاهی برای بسیج نیروها در نبرد سرنوشت عصر ماست، و شخص منتظر در این سنگر امکانات خویش را برای روز ظهور ذخیره می‌نماید، و از همین پناهگاه، به دشمن حمله‌ور می‌گردد. روشن است که لازمه پیروزی در چنین رزمی، غافل ماندن دشمن، مستور بودن سنگر، و مخفی گشتن پیکارگر می‌باشد. بنا به

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹ ح ۲۳.

۲. انتظار بذر انقلاب، حسین تاجری، با اندک تغییرات.

روایات ما، این منظور در سایه «تقیه» بدست می آید.  
«ذوالقرنین» خطاب به مردمی که در خطر هجوم قومی فاسد بودند،  
گفت:

﴿فَاعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا... فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ  
يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا﴾<sup>۱</sup>.

مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و ایشان سدّی بلند برآرم... که  
نتوانند بر فرازش روند، و نتوانند که شکافش دهند.

در تفسیر آیه فوق، حضرت صادق علیه السلام فرمود: تقیه، همانند آن  
دیوار استوار است؛ چون بدان عمل کنی، نخواهند توانست که تو را  
نیرنگ زنند یا بر تو دست یابند. تقیه، دژی پایدار و بلند می باشد که  
میان تو و دشمنان خدا، سدّی نفوذناپذیر می گردد.<sup>۲</sup>

اهمیت و جایگاه تقیه برای شیعیان در عصر غیبت حضرت  
مهدی علیه السلام به عنوان یک وظیفه، در حدی است که حضرت رضا علیه السلام  
فرمود:

«مَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا»<sup>۳</sup>.

آنکس که بکلی دست از تقیه بشوید - پیش از آنکه قائم ما قیام کند -  
پس، از ما نیست.

فهم دقیق این بیان، نیاز به توضیح فراوان دارد، اما مختصر و مفید

۱. کهف (۱۸): ۹۵ و ۹۷.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ح ۲۳۲.

۳. کمال الدین، باب ۲۵، ح ۵.

آنکه: چون لازمه ظهور، آماده شدن گروه بسیاری از شیرمردان پارسا و کارآموده، برای یاری و نصرت حضرت مهدی علیه السلام است، لذا شیعه باید بیش از هر چیز و پیش از هر کار، به فراهم ساختن این جنگاوران پاک و دلاور همت گمارد، و برای تربیت آنان تلاش و کوشش نماید، و به هیچ بهانه نباید نیروی آنان را هدر داده و تلف کند. از سوی دیگر، دشمنان و بدخواهان در صددند تا به هزار و یک دسیسه و نیرنگ، قدرت شیعه را نابود سازند، و جمعیت ما را از هم بپراکنند. و هویداست که در این میان، جز پنهان کاری و دشمن فریبی یعنی «تقیه» چاره‌ای نیست.

نتیجه اینکه شیوه حفاظتی تقیه بمعنای «دست از تکاپو کشیدن» و «با بیگانه همدست گشتن» نیست، بلکه «پوشاندن تلاشها» و «خام کردن دشمنها» است، همانکه در علوم نظامی از آن به «استتار» و «غافلگیری» یاد می‌کنند. حضرت صادق علیه السلام در حدیثی، از این تاکتیک، تعبیر به «خباء» می‌فرماید:

وَاللَّهِ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ .

قُلْتُ: وَمَا الْخَبَاءُ؟

قَالَ: التَّقِيَّةُ .<sup>۱</sup>

به خدا قسم، خداوند به چیزی محبوب‌تر از خباء برای او عبادت نشده است.

عرض کردم: منظور از خباء چیست؟

۱. مکیال المکارم، ج ۲، باب ۸، ح ۱۴۷۲، به نقل از کافی.

فرمود: تقیه .

نخباء به این معانی آمده است:

- ۱ - خیمه‌ای که انسان را از دید دیگران یا وزش باد و ریزش باران و تابش آفتاب مصون می‌دارد.
- ۲ - لفاف بذر، مانند پوسته‌ی روی دانه گندم.
- ۳ - خاکستری که روی آتش را می‌پوشاند.
- ۴ - کاسبرگ گل.<sup>۱</sup>

در تمام این معانی، مفهوم نگهداری و پوشش وجود دارد.

اما دشمن از دو راه می‌تواند سدّ تقیه را بشکافد، و به نقشه‌ها و برنامه‌های منتظران راستین دست یابد: یکی گفتار و دیگری کردار؛ پس انسان چشم‌براه، زبانش را سخت مهار می‌کند، هر سخنی را به هر کس و هر جا و هر زمان نمی‌گوید و کمتر تظاهر خارجی به نبرد با دشمن می‌نماید.

از حضرت باقر علیه السلام پرسیدند: برترین شیوه‌ای که یک مؤمن در ایام غیبت می‌تواند داشته باشد چیست؟

فرمود:

«حِفْظُ اللِّسَانِ وَ التُّزُومُ البَيْتِ»<sup>۲</sup>.

نگهداری زبان و خانه‌نشینی .

در کلامی دیگر امام رضا علیه السلام، راه رهائی از فتنه‌های آخرالزمان را

۱. المنجد، خوب.

۲. کمال الدین، باب ۳۲، ح ۱۵.



اینگونه می‌نمایاند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ؛ تِسْعَةٌ فِي  
اعْتِزَالِ النَّاسِ وَوَاحِدٌ فِي الصَّمْتِ».<sup>۱</sup>

زمانی بر مردم آید که عافیت و به سلامت جستن در ده جزء است: نه  
دهم در کناره‌گیری از مردم است و یکی در خاموشی.

فراموش نکنیم که این کار آسانی نیست، بطوری که حفظ ایمان در  
آن دوران پر مخاطره را تشبیه کرده‌اند به اینکه کسی با کف دستش،  
تیغهای تیز درخت خار داری را چنان بتراشد که صاف گردد:

«الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ بِيَدِهِ».<sup>۲</sup>

اثرات چشمگیر تقیه در نگرهبانی از زندگی و حیات عقیدتی بر  
انسان متعهد در برابر دشمنان روشن و آشکار است.

در بیان گهربار دیگری از حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام در ذیل  
آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۳</sup> این گونه از تقیه سخن می‌گویند:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ».

گرامی‌ترین شما نزد پروردگار، کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند.

پرسیده شد: تاکی؟ ای فرزند پیامبر! فرمود:

تا روز تعیین شده که روز ظهور قائم ما اهل بیت است، پس هر کس قبل  
از قیام قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست.<sup>۴</sup>

۱. تحف العقول، ص ۴۷۰، ح ۲۵.

۲. مرآة العقول، ج ۴، باب فی الغیبة، ح ۱، به نقل از امام صادق عليه السلام.

۳. حجرات (۴۹): ۱۳.

۴. کمال الدین، باب ۲۵، ح ۵.

آن حضرت کلمه «اتقاکم» - پرهیزگارترین شما - را به تقیه کننده‌ترین و سخت‌چنگ‌زننده‌ترین شما بدان تفسیر فرموده‌اند؛ زیرا «اتقاء» در لغت عرب دارای این معانی است: ترسانید او را، آگاهانیدش، دورش کرد، و جان او را از بدی نگهداشت.

از این رو، به دوری‌گزینندگان از گناه «مُتقی» می‌گویند، و تقوی به معنی کوشش و کرداری است که موجب نگهداری و حفظ خود از عذاب می‌باشد. و آن کسی که از شرّ جنایت‌کاران و حيله و فریب‌کجروان دوری‌گزیند، خود فردی «متقی» است و عملی که موجب نجات از این شرّ و مکر و فریب‌گردد، «تقیه» خواهد بود.



## فلسفه انتظار حضرت مهدی علیه السلام

انتظار، آمادگی است و حالت آماده باش داشتن، و تهیه مقدمات برای آنچه که انتظار داریم، چنانچه در زیارت آل یس که مخصوص امام عصر علیه السلام است هر صبح و شام، چنین می خوانیم:

«وَنُصِرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ»<sup>۱</sup>.

من برای یاری شما آماده‌ام.

اگر، در حقیقت، ما منتظر شخصیتی هستیم که در هم کوبنده بناهای شرک و نفاق است و محو کننده اندیشه‌های شیطانی، و آورنده برنامه‌های نوین قرآنی، برای ساختن زندگی‌های الاهی، پس باید برای آن دوران و آن روشها آماده باشیم، و این انتظار است که ثوابها دارد و منتظر را در شمار یاوران حضرت مهدی علیه السلام قرار می دهد، و به پای شهدای «بدر» می رساند.

بنابراین منتظر ظهور امام زمان علیه السلام بودن، در حقیقت حرکت به سوی کمال و آرمانهای موعود است و چنین انتظاری به فرموده امام

---

۱. مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

رضا عليه السلام، فرج و گشایش را به همراه دارد.<sup>۱</sup>

انسان منتظر انسانی کوشاست، که در مسیر اقامه توحید و استقرار ولایت از ایثار آنچه دارد، دریغ نمی‌ورزد.

انسان منتظر همانند کسی است که در پی شب یلدایی، خسته از ظلمت و تیرگی، چشم به افق دوخته و دمیدن خورشید را آرزو می‌کند. و زمزمه دارد که:

صبح نزدیک است و روشن می‌شود این آسمان	ای دل، ای دل صبر کن
چشم بر مشرق بدوز و منتظر با من بمان	ای دل، ای دل صبر کن
آفتابی که به زیر ابر بودستی نهان	عاقبت گردد عیان
می‌شود شاداب این پژمرده باغ و بوستان	ایدل ایدل صبر کن

همانند کسی که در بیابانی بی انتها سرگردان مانده، تنها و وحشتزده رهنمایی را می‌طلبد.

و بالاخره انسان منتظر، بسان کسی است که در حین بالا رفتن از کوهی، پایش لغزیده و دست به تخته سنگی گرفته و فریاد استغاثه‌اش بلند است.

جایگاه و منزلت این انتظار، بگونه‌ای است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مؤمنین منتظر و یاوران حضرت ولی عصر علیه السلام را برادران خود می‌خواند، و رمز این نامگذاری و اظهار محبت به آنان را دشواری دین‌داری در عصر غیبت، معرفی می‌فرماید.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

در بیان دیگری حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

وہ! چه نیکوست صبر و انتظار فرج، مگر نشنیده‌اید گفتار خداوند را که فرموده است: «چشم به راه باشید که من نیز همراه شما از چشم به راهانام»<sup>۱</sup> و نیز فرموده است: «منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم»<sup>۲</sup>؛ بنابراین صبر و شکیبائی را پیشه خود سازید، که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد آمد، اقوام پیشین از شما شکیباتر بودند.<sup>۳</sup>

آه دل مظلومان بسی شک اثری دارد

وین اشک شبانگهان نیکو ثمری دارد

ای منتظر خورشید یک چند صبوری ورز

کس این شام فراق تو آخر سحری دارد

عصر ظهور مهدی علیه السلام، به تعبیر قرآن، عصر «عباد صالح» است. یعنی همهٔ بندگان که صالحند و نیک، وارث زمین می‌شوند. و مگر انتظار چنین دورانی، تنها با شعار تحقق‌پذیر است؟!۴

انتظار حقیقی، جز به تقوی و ورع محقق نخواهد شد، در بیانی از ناحیهٔ مقدسهٔ امام عصر علیه السلام خطاب به شیخ مفید آمده است:

«آنچه ما را از آنان پوشیده داشته است، چیزی نیست جز اخباری که از کارهای ناپسند و نکوهیده آنان به ما می‌رسد».<sup>۴</sup>

مگر نه این است که ما به انتظار این وعده قرآن که «زمین را بندگان

۱. هود (۱۱): ۹۳.

۲. اعراف (۷): ۷۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.

در بیان دیگری حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

وہ! چه نیکوست صبر و انتظار فرج، مگر نشنیده‌اید گفتار خداوند را که فرموده است: «چشم به راه باشید که من نیز همراه شما از چشم به راهان‌ام»<sup>۱</sup> و نیز فرموده است: «منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم»<sup>۲</sup>؛ بنابراین صبر و شکیبائی را پیشه خود سازید، که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد آمد، اقوام پیشین از شما شکیباتر بودند.<sup>۳</sup>

آه دل مظلومان بی شک اثری دارد

وین اشک شبانگهان نیکو ثمری دارد

ای منتظر خورشید یک چند صبوری ورز

کاین شام فراق تو آخر سحری دارد

عصر ظهور مهدی علیه السلام، به تعبیر قرآن، عصر «عباد صالح» است. یعنی همه بندگان که صالحند و نیک، وارث زمین می شوند. و مگر انتظار چنین دورانی، تنها با شعار تحقق پذیر است؟!

انتظار حقیقی، جز به تقوی و ورع محقق نخواهد شد، در بیانی از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام خطاب به شیخ مفید آمده است:

«آنچه ما را از آنان پوشیده داشته است، چیزی نیست جز اخباری که از کارهای ناپسند و نکوهیده آنان به ما می رسد».<sup>۴</sup>

مگر نه این است که ما به انتظار این وعده قرآن که «زمین را بندگان

۱. هود (۱۱): ۹۳.

۲. اعراف (۷): ۷۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.

صالح خدا به ارث خواهند برد»<sup>۱</sup> نشسته‌ایم. اگر منتظر این معنا هستیم و انتظاری راستین داریم، باید نخست در زمره «عباد صالح» در آییم، آنگاه طالب نویدی که به آنان داده‌اند باشیم.

و خلاصه کلام اینکه: کسی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد.

از طرف دیگر، این همه تأکید بر امتحانات دشوار عصر غیبت، و جدا کردن مؤمنان حقیقی از افراد سُست ایمان، در همین راستا است. امام رضا علیه السلام درباره این امتحانات و اسرار آنها در عصر غیبت به معمر بن خَلاد می‌فرمایند:

«آنچه در انتظار آن لحظه شماری می‌کنید، واقع نخواهد شد، مگر بعد از آنکه آزمایش و امتحان شوید، و از بوته امتحان جز افراد بسیار اندک پیروزمندانه بیرون نمی‌آیند، چنانکه خداوند -تبارک و تعالی- می‌فرماید: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾<sup>۲</sup> آیا مردم پنداشته‌اند که با گفتن اینکه ایمان آورده‌ایم رها شده و مورد آزمایش (فتنه) قرار نمی‌گیرند؟!»

سپس به «معمر بن خَلاد» فرمود: می‌دانی فتنه چیست؟

گفت: جانم به فدای شما، آنچه می‌دانیم این است که امتحانی در

دین واقع می‌شود.

فرمود:

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵.

۲. عنکبوت (۲۹): ۱.

چون طلا گداخته می‌شوید، و مانند طلای ناب از ناخالصی‌ها پاک می‌گردید.<sup>۱</sup>

آیا با این غفلتی که بشریت امروز را گرفته و جاهلیتی که سایه آن بر جهانیان گسترده است می‌توان از یک جامعه منتظر خبر داد؟  
بنابراین جاهلیت آخر الزمان در عصر ظهور بیش از جاهلیت زمان پیامبر دشواری و رنج و زحمت به همراه خواهد داشت.  
در بیان شیوایی، امام صادق علیه السلام به این حقیقت تلخ اشاره می‌فرماید:

«آزاری را که قائم علیه السلام به هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخر الزمان می‌بیند بسی سخت‌تر است از آن همه آزار که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردم جاهلیت دید.»<sup>۲</sup>

چرا؟ چون اینان، به قرآن مُسلمند، و برای آن حضرت (که بناست همان قرآن را زنده کند) قرآن می‌خوانند، قرآن تفسیر می‌کنند. به اندازه‌ای خرافات و عقاید ضد دینی، در جامعه‌های اسلامی گسترش یافته و به اسم دین و قرآن مطرح گردیده است، که هنگامی که مهدی علیه السلام درآید و قرآن را (آنطور که هست) تفسیر کند، مردم گویند: این دینی تازه است و کتابی تازه، و این آن قرآن نیست که ما می‌خوانده‌ایم.

بنابراین، یکی از مشکلات بزرگ، بر سر راه امام عصر علیه السلام، سوء

۱. منتخب الاثر، ص ۳۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱.



استفاده‌های گوناگون، از کتاب خدا می‌باشد.

قرآن، یکی از دو نهاد گرانقدری است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای هدایت بشر برجای گذاشته و به عنوان «ثقل اکبر» از آن یاد فرموده. متأسفانه برخی از تأثیر و قداست قرآن سوء استفاده کرده، معانی قرآن را دگرگون نموده و مردم را به نام قرآن از مقاصد و مفاهیم آن دور می‌کنند و گاه در مقابل آن وامی‌دارند.

لکن این‌گونه کسان در آن روزگار، کاری از پیش نمی‌برند و حکومت نیرومند مهدوی آنان را یا به راه آورده و یا از سر راه برمی‌دارد.



## بشارت به یاران حضرت مهدی علیه السلام

امام رضا علیه السلام از اجداد بزرگوارشان نقل می‌کنند که امام حسین علیه السلام فرمودند: روزی به خدمت جدم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیدم، اَبی بن کعب نیز آنجا بود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به سؤالات او، ضمن معرفی ائمه علیهم السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را اینگونه معرفی فرمودند:

«خداوند - تبارک و تعالی - در صلب امام حسن عسکری علیه السلام نطفه‌ای با برکت و پاک و پاکیزه قرار داده است ... او امامی ... هدایت‌گر و هدایت شده است، به عدل حکم می‌کند و به عدالت امر می‌کند ...» .

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره تعداد و اسامی اصحاب حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

«خداوند تبارک و تعالی از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر - یعنی سیصد و سیزده نفر - برای او سپاه گرد می‌آورد، آن حضرت نوشته‌ای در دست دارد که لاک و مهر شده و در آن تعداد اسامی اصحاب ایشان و نیز نسب و شهرهای آنها، خلق و خوی، وضع ظاهری، چهره و قیافه، و نیز کنیه آنها ثبت شده است ...» .

سپس رسول خدا ﷺ فرمودند:

يا أُبَيَّ ،

طوبى لمن لقيه ،

خوشا به سعادت کسی که مهدی عليه السلام را ملاقات کند .

طوبى لمن أحبه ،

خوشا به حال کسی که مهدی عليه السلام را دوست بدارد .

طوبى لمن قال به ،

خوشا به سعادت کسی که معتقد به امامت مهدی عليه السلام باشد .

پس از آن بشاراتی را در رابطه با اصحاب امام زمان عليه السلام بیان فرمودند:

يُنْجِيهِمُ اللَّهُ بِهٖ مِنَ الْهَلَكَةِ وَبِالإِقْرَارِ بِاللهِ وَبِرِسُولِهِ وَيَجْمَعِ الأَيْمَةَ .

خدای تبارک و تعالی آنان (محبین و معتقدین به مهدی عليه السلام) را

بخاطر آن حضرت و به واسطه اعتقاد به خدا و رسولش و ائمه اطهار

از هلاکت نجات می دهد .

يَفْتَحُ اللهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ .

خدا ، درهای بهشت را بر روی آنان می گشاید .

و در وصف پیروان و دوستان امام عصر عليه السلام این گونه فرمودند:

مَثَلُهُمْ فِي الأَرْضِ كَمَثَلِ المُسْكِ الَّذِي يَسْطَعُ رِيحُهُ وَلَا يَتَغَيَّرُ أبداً .

مثل آنها در روی زمین ، مثل مُسک است که دائم از خود بوی خوش

می پراکند ولی در آن تغییر ایجاد نمی شود .

وَمَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ القَمَرِ المُنِيرِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ نُورُهُ أبداً .<sup>۱</sup>

و مثل آنها در آسمان مانند ماه درخشانی است که نورش هرگز

خاموش نمی شود .

## رهبر جهانی

الف: معرفی امام عَلَيْهِ السَّلَام

امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام، ضمن اشاره به شرایط خاص زمانی و مکانی تولد امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، به مخفی بودن جایگاه ولادت آن حضرت اشاره دارند چنانچه می فرمایند:

«... رَجُلًا خَفِيَ الْمَوْلِدُ وَالْمَنْشَأُ غَيْرَ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ».<sup>۱</sup>

(حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام) مردی است که علیرغم روشن بودن نسب او بر همگان، مخفیانه دنیا می آید.

علیرغم بیان ویژگی ها و خصوصیات آن حضرت، امام هشتم از شک برخی افراد نسبت به آن وجود مقدس، خبر می دهند:

«... هُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ».<sup>۲</sup>

او کسی است که مردم در ولادت او دچار تردید می شوند.

زامداران ستمگر عباسی از ویژگی های آن حضرت خبر داشتند، لذا وجود مبارکش را برای سلطنت خود خطری بزرگ می دانستند.

۱. منتخب الاثر، ص ۲۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

بنابراین خانه امام حسن عسکری علیه السلام را تحت نظر داشته و در صدد بودند، به محض اطلاع از تولد فرزندی پسر برای آن حضرت، او را از بین ببرند، به همین منظور بارها به خانه امام یازدهم مأمورانی گسیل می‌داشتند. اما خداوند برای درامان ماندن آن وجود مبارک، مقدر فرمود تا آن حضرت در یک شرایط استثنایی به گونه‌ای بدنیا بیاید، که حتی نزدیکترین افراد هم، متوجه نگردند و در نتیجه بسیاری از افراد طبق فرموده امام علیه السلام در اصل تولد آن حضرت دچار تردید شدند.

نظر به اینکه پس از تولد آن وجود گرامی تا مدتی شرایط اقتضا می‌کرد که مسأله ولادت امام، همچنان مخفی بماند، لذا آن معدود افراد که از جریان تولد حضرت آگاه بودند، موظف بودند آن را در جایی اظهار نکنند، و حضرت عسکری علیه السلام نیز در این زمینه سعی تمام داشتند، که جز بعضی از خواص، کس دیگری از آن مطلع نگردد.

حضرت رضا علیه السلام با توجه به چنین شرایطی می‌فرمود:

«لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسْمَى بِاسْمِهِ»<sup>۱</sup>.

جسمش (حضرت مهدی علیه السلام) دیده نشود، و نامش برده نگردد.

روایات زیادی درباره نهی از ذکر نام آن حضرت نقل شده که از بررسی مجموع آنها می‌توان احتمال داد که این امر اختصاص به زمان غیبت صغری داشته؛ چرا که در آن ایام تهدیداتی متوجه جان آن حضرت بوده است.

علی‌رغم این همه دشواری‌ها، جهت تقویت بیشتر ایمان و اعتقاد

مردم به آن وجود مقدس، بسیاری از ویژگی‌ها و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام توسط ائمه بزرگوار شیعه، بیان گردیده است. از جمله، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در ضمن روایتی می‌فرمایند:

«... بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي»<sup>۱</sup>.

پدر و مادرم بقدای او (امام عصر علیه السلام) که همانم جدم رسول خداست.

در روایت دیگری آن حضرت را به عنوان چهارمین فرزندشان معرفی می‌فرماید:

«... الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ»<sup>۲</sup>.

امام زمان علیه السلام چهارمین فرزند من، و مادرش بهترین کنیزان است. زمانی که دعبل، اشعار جانسوز خود را در محضر امام هشتم علیه السلام قرائت کرد و در ضمن اشعار خود اشاره به ظهور امام زمان علیه السلام نمود، حضرت پس از تشویق و تأیید او، فرمودند: ای خزاعی، آیا می‌دانی این امام کیست و چه موقع قیام می‌کند؟ سپس حضرت رضا علیه السلام به معرفی حضرت مهدی علیه السلام پرداختند:

«يَا دُعْبَلُ! الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي، وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ، وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظَهْرِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۲۱.

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ  
جَوْرًا»<sup>۱</sup>.

ای دعبل! امام بعد از من پسر محمد، و بعد از محمد پسرش علی، و بعد از علی فرزند او حسن، و بعد از حسن فرزندش، حجت قائم منتظر خواهد بود، که در دوران غیبتش انتظارش را می‌کشند و در زمان ظهورش، اطاعتش می‌نمایند. اگر از عمر دنیا، تنها یک روز باقی مانده باشد همان یک روز را خداوند آن قدر طولانی گرداند تا اینکه او قیام کند و زمین را مالا مال از عدل نماید، چنانکه از ظلم پر شده باشد.

از جمله امور مهمی که حضرت رضا علیه السلام در زمان خود به آن همت گماردند آن است که وقتی مأمون بر اساس اهداف پلید خود آن حضرت را به پذیرش ولایت عهدی و ادار کردن، بیشتر شیعیان - که از حقیقت این نیرنگ آگاه نبودند - گمان می‌کردند صاحب الامری که در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام به ظهورش مژده داده شده است حضرت رضا علیه السلام می‌باشند. لذا آن حضرت در مناسبت‌های مختلف ضمن رفع این شبهه به معرفی بیشتر صاحب الامر علیه السلام مبادرت می‌فرمود. در این باره، از ایوب بن نوح روایت شده است که: روزی خدمت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! حالا که همه مردم با شما بیعت کرده‌اند و سگه بنام مبارک شما زده شده، امیدوارم آن صاحب الامر شما باشید و بدون اینکه نیازی بجنگ باشد،

حکومت به شما منتقل شود.

حضرت در پاسخ فرمودند: «کسی از ما نیست که نامه‌ها و پرسشها و اموال به طرف او سرازیر شود... مگر اینکه او به شهادت رسد تا وقتی که خداوند مردی را برای این کار برانگیزد، که تولد او علی رغم روشن بودن نسبش، مخفی خواهد بود».<sup>۱</sup>

در همین زمینه وقتی ریان بن صلت به حضرت رضا علیه السلام عرض می‌کند آیا صاحب الامر شما هستید؟  
حضرت می‌فرمایند:

«أنا صاحبُ الأمرِ ولکنی لستُ بِالَّذِي أَمْلأها عدلاً كما مُلئتُ جوراً، وكيفَ أكونُ ذلكَ على ما ترى من ضَعْفِ بدني، وإنَّ القائمَ هو الَّذي إذا خَرَجَ كانَ في سِنِّ الشُّيوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبانِ؛ قوياً في بدنه حتَّى لو مَدَّ يدهُ إلى أعظمِ شجرةٍ على وَجهِ الأرضِ لقلَعها ولو ضاحَ بَيْنَ الجِبَالِ لتَدَكَّدتْ صُخُورُها...».<sup>۲</sup>

من صاحب این امر - ولایت - هستم، ولی آن کسی که زمین را پس از پر شدن از جور و ظلم از عدل و داد پر خواهد ساخت نیستم. با این ضعف بدنی که در من می‌بینی، چگونه می‌توانم او باشم؟! در حالی که قائم کسی است که وقتی ظهور نماید، در سن پیران ولی در سیمای جوانان خواهد بود. او به قدری نیرومند است که اگر دست مبارکش را به طرف تنومندترین درختان روی زمین دراز کند آن را از ریشه برگند و اگر در میان کوهها بانگ برآورد، صخره‌ها فروریزند.

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۰، ح ۹.

۲. منتخب الاثر، ص ۲۲۱، ح ۲.



بدینوسیله ضمن توصیف ویژگی‌های جسمانی آن حضرت، مردم را از اشتباهی که دچار شده‌اند رهائی می‌بخشد.

### ب: غیبت امام علیه السلام

در زمینه غیبت امام عصر علیه السلام مطالب فراوانی در روایات حضرت رضا علیه السلام به چشم می‌خورد، از جمله آن حضرت می‌فرمایند:

«وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ»<sup>۱</sup>.

او (امام عصر علیه السلام) قبل از ظهور، غیبتی خواهد داشت.

دوران غیبت دارای دو مرحله است:

غیبت صغری: که از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام آغاز شد و تا زمان وفات علی بن محمد سمری آخرین نایب خاص آن حضرت در سال ۳۲۹ هجری ادامه یافت و حدود هفتاد سال طول کشید.

اما غیبت کبری: پس از غیبت صغری شروع شده و بر طبق فرمایش علی بن موسی الرضا علیه السلام تا زمانی که خدای - تبارک و تعالی - مصلحت بداند ادامه خواهد داشت:

«يُغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِرِّهِ مَا شَاءَ»<sup>۲</sup>.

اما غیبت امام مهدی علیه السلام چه حکمت و فلسفه‌ای دارد؟ چرا آن حضرت مانند دیگر امامان در میان مردم آشکارا زندگی نکرد؟ در پاسخ به این پرسش می‌گوییم: اگر از نظر رخدادها و حوادث

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲، ح ۲۹.

۲. همان، ح ۳۰.

طبیعی و عادی به این حادثه نظر نماییم و به دنبال توجیه و چرایی این امر حرکت کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که با فشارهای روزافزون «عباسیان» بر بنی فاطمه و امامان معصوم علیهم‌السلام، غیبت و اختفای امام مهدی علیه‌السلام امری سنجیده و حساب شده، و بازتابی از آن سیاست رو به فزونی دشمنی با امامان علیهم‌السلام است.

به عبارت روشن‌تر، امامان علیهم‌السلام در برابر این سیاست عباسیان از تاکتیک اختفا و غیبت یاری گرفته بودند، تا وجود مقدس امام مهدی علیه‌السلام از گزند حوادث زمان مصون و محفوظ بماند و در فرصت مناسب به میان مردم آید و مردم از وجود مقدس آن حضرت بهره‌مند گردند.

فشارهای سیاسی که از زمان امام جواد علیه‌السلام بر امامان معصوم وارد می‌شد، مرتباً افزایش می‌یافت، این فشارهای رو به افزایش موجب شد که فعالیت‌های امام یازدهم علیه‌السلام به حداقل برسد تا جایی که زمینه مساعد برای رهبری‌های امام مهدی علیه‌السلام فراهم نگردید. در این هنگام خواست و مشیت خداوند به غیبت امام زمان علیه‌السلام تعلق گرفت.

دکتر «جاسم حسین» در این باره می‌نویسد: «مقامات حکومت عباسی خواستار ایجاد محدودیت در فعالیت‌های ائمه علیهم‌السلام بودند، از این رو آنان را به دربار خود می‌بردند و تحت نظر می‌گرفتند تا آنکه دیگر نتوانند فعالیت‌های خود را در میان پیروان خویش انجام دهند.

محدودیت‌هایی که از زمان حضرت رضا علیه‌السلام بر ائمه علیهم‌السلام تحمیل شد، تا زمان امام یازدهم، حضرت عسکری علیه‌السلام ادامه یافت در نتیجه

ائمہ علیہم السلام نیز سیاستی اتخاذ کردند تا آخرین وصی خود را از شرایط مشابه مصون دارند.

امامان به این نتیجه رسیدند که پسر امام یازدهم علیہ السلام از چشمان «عباسیان» پنهان شود تا بتواند فعالیت‌های خود را ناشناخته به انجام رساند، تا اینجا احادیثی که وجود امام را پیش‌بینی می‌کند که از نظرها پنهان باشد و سیاست‌های خود را در خفا، در میان پیروان خویش به مورد اجرا خواهد گذاشت را ترویج و نقل می‌کردند. این امام دوازدهمین امام است. چنین اقداماتی از پیش صورت می‌گرفت، تا «امامیه» را به قبول سفیران به عنوان واسطه‌های ائمہ علیہم السلام آماده سازد.<sup>۱</sup>

همین تفسیر و فلسفه غیبت که از زبان «جاسم حسین» بیان شد، در روایات اسلامی نیز به گونه‌ای دیگر بیان شده است و امامان معصوم بر آن تأکید کرده‌اند که به برخی از آنها در ذیل اشاره می‌گردد:

#### اول: نداشتن بیعت ستمگران

در برخی از روایات آمده است: علت و حکمت غیبت امام مهدی علیہ السلام این است که آن حضرت با وجود غیبت از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان آزاد می‌شود و تعهد و بیعت با هیچ حاکمی را بر عهده ندارد. از جمله در روایتی از علت غیبت امام عصر علیہ السلام سؤال شد، حضرت رضا علیہ السلام فرمودند:

۱. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیہ السلام، ص ۲۱۵.

«... لِئَلَّا يَكُونَ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ».<sup>۱</sup>

زیرا وقتی حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام فرماید، بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد.

### دوم: امتحان و غربال انسان‌های صالح

در روایات بسیاری، حکمت غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام، غربال شدن انسان‌های صالح و آزمایش مردم مطرح گردیده است.

در روایتی، صفوان بن یحیی از حضرت رضا علیه السلام نقل می‌کند که:

«وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ حَتَّى تُمَخَّصُوا وَتُمَيِّزُوا  
وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَالْأَنْدَرُ».<sup>۲</sup>

به خدا قسم آنچه شما منتظر و چشم به راه آن هستید واقع نخواهد شد تا پاکسازی و جداسازی شوید و نماند از شما مگر هرچه کمتر و کمتر.

حضرت رضا در ادامه روایت به این آیه استشهاد می‌فرمایند:

«أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»<sup>۳</sup>.

### سوم: سرّی از اسرار الاهی

غیبت امام عصر علیه السلام از اسرار الاهی بوده که حکمت آن بر بندگان

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۱۵.

۳. عنکبوت (۲۹): ۲. «آیا مردم گمان می‌کنند همین که گفتند ایمان آورده‌ایم به حال خود رها می‌شوند و امتحان نمی‌گردند؟».

منحفی و پوشیده است. و تنها بعد از آن که ظهور حضرت فرارسد، روشن خواهد شد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حکمت غیبت مهدی علیه السلام همان حکمتی است که در غیبت پیامبران و حجج الاهی پیشین وجود داشته است. این غیبت امری از امور الاهی و سری از اسرار خدائی و رازی از رازهای ربّانی است. ما وقتی می دانیم که خدای عزوجل حکیم است تصدیق می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است، اگرچه آن حکمت و مصلحت را خود تشخیص ندهیم و به راز آن پی نبریم.<sup>۱</sup>»

#### چهارم: حفظ جان امام مهدی علیه السلام

خداوند به وسیله غیبت امام دوازدهم علیه السلام جانش را از شرّ دشمنان حفظ نموده است، اگر مسأله غیبت امام مهدی علیه السلام مطرح نبود، «معتمد» عباسی که به خون آن حضرت تشنه بود، مانند پدران بزرگوار آن حضرت، امام مهدی علیه السلام را نیز شهید می کرد و زمین از حجت خداوند خالی می شد.

#### پنجم: ستم پیشه بودن انسانها

علی علیه السلام در مسجد کوفه می فرمود: «زمین از حجت الاهی خالی نمی ماند، ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده روی انسانها،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

آنان را از وجود «حجت» خود محروم می‌سازد.<sup>۱</sup>

### ششم: آمادگی جهانی

قطعاً برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان «خاتم الاوصیاء» و منجی جهان بشریت و کسی که در کره زمین دین اسلام را بر تمامی دین‌ها پیروز بگرداند، زمینه و آمادگی جهانی لازم است. از این‌رو، جهان باید زمینه این پذیرش را داشته باشد تا این هدف محقق شود. بنابراین، می‌توان فقدان آمادگی جهان را یکی از فلسفه‌ها و حکمت‌های غیبت امام مهدی علیه السلام برشمرد.



## نوید ظهور حضرت مهدی علیه السلام

از جمله آرزوهای آدمیان در طول تاریخ، اندیشهٔ ایجاد یک جامعه ایده‌آل با حکومتی عادلانه بوده است که در سایه آن مجموعهٔ نیازهای طبیعی و فرهنگی همه افراد، به نحو شایسته تأمین گردد.

در این زمینه در لابلای مطالب اجتماعی تمامی مکاتب اعم از مادی و الاهی بحث‌های زیادی بچشم می‌خورد. گذشته از آن زمامداران جوامع بشری همواره در تبیین و تشریح اهداف و تلاشهای خود اظهار داشته‌اند، که هدفی جز بنیانگذاری یک جامعه سالم بدور از هر گونه تبعیض و بی‌عدالتی ندارند. مردم هم همیشه، به امید تحقق یک چنین جامعه‌ای، با تمام امکانات خویش به یاری آنها برخاسته‌اند، با این حال، شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که تا امروز بشر در این خواسته موفق نبوده است، اما در عین حال نه تنها از فکر ایجاد یک جامعه آرمانی منصرف نشده بلکه در هر زمانی بیش از پیش از طریق بسیج سرمایه‌های مادی و معنوی خود با عزمی راسخ‌تر آن را دنبال کرده است.

به نظر می‌رسد که این پایداری و تلاش مستمر از این واقعیت حکایت می‌کند، که اصل برخورداری از یک جامعه ایده‌آل و حکومت

سالم به لحاظ فوایدی که بر آن مترتب می‌شود از جمله نیازهای اساسی است که ریشه در سرشت و فطرت انسان دارد.

از دید قرآن کریم، پیروزی صالحان و بنیانگذاری حکومتی بر اساس قوانین واقع بینانه اسلام، توسط پرهیزگاران یکی از سنن الاهی است که پس از فراهم شدن مجموعه شرایط آن، لاجرم روزی تحقق خواهد یافت و در سایه آن تمامی استعدادهای انسان شکوفا گشته و در همه جهات وجودی‌اش به رشد و تعالی خواهد رسید و بر طبق نص آیات قرآنی این کار از طریق پیروزی دین حق بر همه ادیان - که از جمله اهداف بعثت پیامبر اسلام ﷺ است - محقق خواهد شد. حتی به استناد آنچه در قرآن ذکر شده است بشارت به چنین روزی، در کتب آسمانی دیگر نظیر زبور داوود به امت‌های قبل داده شده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

ما در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

بنابراین، چنین وعده‌ای الاهی و مدینه فاضله قرآنی، محقق نخواهد شد جز در سایه رهبری شخصیتی، که واجد تمام کمالات انبیا و وارث همه فضایل آنها بوده و خدای متعال، معصوم بودن او را امضا فرموده است و اوست که از هر لغزش و خطا بر کنار است، و هیچ پلیدی و ناپاکی در او راه ندارد.



زمانی که از حضرت رضا علیه السلام سؤال شد: مَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ؟ قائم شما دو دمان کیست؟ فرمود:

چهارمین فرزند من است، که پسر برترین کنیزان است، خدا به وسیله او زمین را از آلودگی و ستم پاک سازد و از هر ظلمی پاکیزه گرداند. هم اوست که مردم در ولادتش شک کنند و قبل از خروجش صاحب غیبت باشد و چون بیاید زمین به نورش روشن گردد و میزان عدل میان مردم بگذارد و کسی به دیگری ستم ننماید و زمین برایش پیچیده شود، سایه برای او نباشد و منادی از آسمان به نام او ندا دهد که همه مردم بشنوند:

أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ.<sup>۱</sup>

آگاه باشید که حجت خدا کنار خانه خدا ظاهر شده از او پیروی کنید که حق با اوست.

حضرت رضا علیه السلام در دعایی که به یونس بن عبدالرحمان تعلیم فرمودند، درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین اشاره دارند:

«خدایا! همانا او (مهدی موعود علیه السلام) بنده توست، که وی را برای خودت خالص فرموده‌ای و بر غیب و پنهانی خویش برگزیده‌ای، و از هر گناه دورش داشته‌ای، و از هر عیب و نقصی در امان قرار داده‌ای، و از هر پلیدی پاکش فرموده‌ای، و از هر آلودگی سالم داشته‌ای. خدایا! ما در روز قیامت و همان روز حادثه شگفت، شهادت می‌دهیم که همانا او (حجة بن الحسن علیه السلام) هیچ گناهی مرتکب نشده و خطایی را بجا نیاورده است، و هیچ طاعت و فرمانبرداری را ضایع و نابود نکرده، و هیچ

حرامی را مرتکب نشده، و هیچ واجبی را واژگون نساخته، و هیچ آیین و شریعت را دگرگون ننموده است».<sup>۱</sup>

اینک به مختصات ظهور امام عصر علیه السلام به طور اجمال اشاره می‌شود:

### ۱ - وعده قطعی

اصل ظهور امام عصر علیه السلام از مسائل قطعی و غیر قابل تردید در اسلام است، فرمایش امام رضا علیه السلام گویای این حقیقت است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا».<sup>۲</sup>

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند متعال آن روز را به قدری طولانی خواهد کرد، تا آن حضرت ظهور نموده و زمین را البریز از عدل فرماید همانطور که از ظلم پر شده باشد.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام به طور ناگهانی بوده و زمان مشخصی برای آن ذکر نشده است و تنها به برخی از تحولات و علائم ظهور اشاره گردیده است.

حضرت رضا علیه السلام به نابسامانی‌های عصر غیبت اشاره می‌فرمایند:

به ناگزیر فتنه سخت خانمان براندازی روی خواهد داد که همه خویشان و نزدیکان و همرازان در آن سقوط می‌کنند و آن هنگامی است که شیعیان، سومین جانشین از فرزندان را از دست بدهند، همه

۱. جمال الأسبوع، در اعمال روز جمعه، ص ۵۰۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

اهل آسمان و زمین و همه شیفتگان و دردمندان و دل سوختگان برای او (مهدی علیه السلام) گریه می کنند.<sup>۱</sup>

هم چنین در ادامه بیان فوق، سخن از ناامیدی مردم به میان می آید: گویی با چشم خود می بینم در حالی که مردم به یأس و ناامیدی دچار شده اند، بشارت ظهورش را می شنوند که این صدا از مسافت دور همچون فاصله نزدیک شنیده می شود.<sup>۲</sup>

## ۲ - ظهور ناگهانی

علاوه بر ویژگی ها و دگرگونیهای عصر ظهور، که بیان آن گذشت، در حدیث دیگری امام رضا علیه السلام از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که وقتی از ایشان سؤال شد: قائم شما کی ظهور خواهد کرد؟ آن حضرت فرمودند:

«مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».<sup>۳</sup>

مثل قیام مهدی ۷، مانند قیامت است، که بطور ناگهانی شما را فراگیرد.

## ۳ - ندای آسمانی

ندای آسمانی در زمان ظهور، به گوش همه جهانیان خواهد رسید. امام رضا علیه السلام می فرماید: منادی چنین ندا سر می دهد:

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۲.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

«...أَلَا إِنَّ حَجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ  
وَفِيهِ...»<sup>۱</sup>.

آگاه باشید که حجّت خدا در کنار خانه کعبه ظاهر شده است، از او  
پیروی کنید، بدرستی که حق با او و در دست اوست.

#### ۴ - عصر ظهور

ذهن بشر امروز کوتاه‌تر از آن است که بتواند تصویر واقعی جهان  
پس از ظهور را، حتی در اندیشه خویش به دقت ترسیم کند؛ چرا که  
آنچه در دوران پس از ظهور آشکار می‌شود، در بسیاری از موارد، در  
تمامی تاریخ بشری سابقه بوده است. و اگر هم در برهه‌هایی از تاریخ،  
توسط انبیای عظام و یا اوصیای آنها نمونه‌هایی از آن ایجاد شده باشد،  
مقطعی و محدود بوده است؛ زیرا حتی سفرای الهی نتوانسته‌اند تمامی  
آرمانهای نیکوی خود را در عالم خارج تحقق بخشند، و تلاشهای آنان با  
کارشکنی بدخواهان ناتمام مانده است و خود نیز در آن راه جان باخته‌اند.  
امام صادق علیه السلام در یک نگاه کلی جهان بعد از ظهور را چنین ترسیم  
می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ»<sup>۲</sup>.

آن‌گاه که قائم علیه السلام قیام کند، چیزی را می‌آورد که پیشتر (اصلاً) نبوده  
است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

دوران پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، بدون شک، والاترین، شکوفاترین و ارجمندترین فصل تاریخ انسانیت است. دورانی که وعده‌های خداوند، در خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وراثت صالحان عملی می‌گردد و جهان با قدرت الاهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه شکوهمندترین جلوه‌های عبادت پروردگار می‌شود. در احادیث گوشه‌هایی از عظمت آن روزگار، به تصویر کشیده شده است.

#### ۵ - عدل راستین

اساس همه برنامه‌های امام عصر علیه السلام، استقرار عدالت و برطرف ساختن ظلم و ستم است، که در چندین مورد حضرت رضا علیه السلام هم به آن اشارت فرموده‌اند، از جمله می‌فرمایند:

«... يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ».<sup>۱</sup>

خداوند به دست او زمین را از کافران و منکران پاک می‌گرداند.

هم‌چنین در بیان دیگری آن حضرت می‌فرمایند:

«... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا».<sup>۲</sup>

وقتی ظهور کند زمین را به نور پروردگار عالم نورانی خواهد ساخت، و ترازوی عدالت را در بین مردم بگونه‌ای برپا کند که کسی

۱. الزام الناصب، ص ۶۸.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸.

بر دیگری ظلم و ستم ننماید .

## ۶ - کوفه و پایتخت

کوفه پس از ظهور امام عصر علیه السلام مرتبتی بس بزرگ خواهد یافت؛ زیرا پایتخت و مرکز خلافت و مقرّ دولت آن بزرگوار خواهد بود. حضرت رضا علیه السلام می فرمایند:

«... سپس به کوفه می آید و در آن شهر منزل می کند. برده مسلمانان نمی ماند مگر آنکه او را خریده آزاد فرماید، مدیونی نمی ماند مگر آنکه قرضش را ادا نماید، مظلّمه‌ای بر گردن مسلمانان نباشد مگر آنکه رد نماید، بنده‌ای به قتل نرسیده باشد مگر آنکه بهایش را می پردازد، کشته شده‌ای نباشد، مگر اینکه وام او را پرداخته برای بازماندگان او مقرری معین فرماید، تا آنکه زمین را از عدل و داد آکنده سازد، آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>»

## ۷ - همنشینی با فرشتگان

ملائکه در عصر ظهور مأمور به سلام به مؤمنان و شرکت در مجالسشان می باشند.

حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْجُلُوسِ

۱. ترجمه اعیان الشیعه، ص ۳۴۱.

مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ...»<sup>۱</sup>.

آنگاه که قائم قیام کند خداوند فرشتگان را می‌فرماید که بر مؤمنان سلام نمایند و با آنان در مجالسشان هم‌نشین گردند.

#### ۸ - خون خواهی امام حسین علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام منتقم خونهای بناحق ریخته شده در عالم است. انتقام امام عصر علیه السلام، یک مسأله شخصی نیست. آنچه در کربلا رخ داد، از نظر اعتقادی، ستیز همه اسلام با همه کفر بود؛ کسانی که با امام حسین علیه السلام جنگیدند در حقیقت با ادعای مسلمانی، به انکار توحید و رد نبوت برخاستند. این نفاق به مراتب از کفر صریح کافران صدر اسلام بدتر و خطرناک‌تر بوده است.

نکته قابل ذکر این است که، واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام همراه با اهل بیت علیهم السلام و اصحاب ایشان، در عاشورای سال ۶۱ هجری، حادثه‌ای نیست که فقط به زمان وقوعش مربوط بوده و صرفاً از دشمنی شخصی بنی‌امیه با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نشأت گرفته باشد. ریشه‌های اصلی این مصیبت بزرگ، به صدر اسلام و دشمنی‌های حساب شده منافقان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن حضرت برمی‌گردد. به همین جهت، مصیبت روز عاشورا برای همه اهل بیت علیهم السلام بسیار سنگین و جانگداز است. خاندان وحی علیهم السلام، ایام محرم و عاشورا در هر سال را ایام حزن و سوگواری خود می‌دانستند. به عنوان نمونه

۱. اثبات الهداة، ج ۳، باب ۳۲، ح ۷۰۳.

حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

روز امام حسین علیه السلام (عاشورا) پلکهای ما را زخم نموده، و اشکهای ما را روان ساخته، و عزیز ما را در سرزمین گرفتاری و بلا به ذلت انداخته است، و باعث شده که ما تا پایان دنیا در اندوه و گرفتاری باقی بمانیم؛ پس گریه کنندگان باید بر مانند حسین علیه السلام بگریند.<sup>۱</sup>

این حدیث، بیان کننده بعضی از مصائب اهل بیت علیهم السلام در غم عاشورای امام حسین علیه السلام است.

اما گفتگوی مفضل با امام صادق علیه السلام، پرده از واقعیت عمیق تر و تلخ تری برمی دارد. مفضل از خواص اصحاب امام علیه السلام به ایشان عرض کرد:

«إِنَّ يَوْمَكُمْ فِي الْقِصَاصِ لِأَعْظَمُ مِنْ يَوْمِ مِخْتِكُمْ».

روزی که (دشمنان خود را) قصاص می کنید، از روز غم و محنت شما بزرگتر است.

مفضل می خواست با این گفتار خود، امام صادق علیه السلام را نسبت به مصیبت های اهل بیت علیهم السلام تسلی دهد. بر این اساس که خوشحالی از قصاص دشمنان، ناراحتی های گذشته ایشان را جبران می کند. ولی حضرت در پاسخ او فرمود:

«وَلَا كَيْوَمِ مِخْتِنَا بِكِرْبَلَاءَ».<sup>۲</sup>

ولی نه مانند غم و ناراحتی ما در کربلا.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۲. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۵۳۲.



یعنی قصاص کردن دشمنان، ناراحتی‌های ما را در روز عاشورا و سوزمین کربلا جبران نمی‌کند، آن محنتی که به تعبیر امام رضا علیه السلام تا پایان دنیا باقی خواهد ماند و حتی با انتقام امام عصر علیه السلام از قاتلین سیدالشهداء علیه السلام نیز از بین نخواهد رفت.

مصیبت عاشورا، بیش از آن که معلول ظلم و ستم بنی‌امیه در حق اهل بیت علیهم السلام باشد، برخاسته از اساس منحرف و باطلی است که پایه‌گذاران سقیفه و قاتلین محسن فاطمه علیها السلام پی‌ریزی کردند، و از این بالاتر هرکسی در هر زمان و هر مکان، به کشته شدن سیدالشهداء علیه السلام و یاران وفادار حضرتش، قلباً راضی و خشنود باشد، خود جزء قاتلین آن حضرت محسوب می‌گردد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ الرَّاضِينَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شُرَكَاءُ قَتَلْتِهِ»<sup>۱</sup>.

آگاه باشید، کسانی که به کشتن حسین علیه السلام راضی و خشنود باشند، در کشتن آن حضرت شریک قاتلانش هستند.

\* به همین جهت در احادیث آمده است، که وقتی امام عصر علیه السلام ظهور می‌فرماید، انتقام خون سیدالشهداء علیه السلام را از فرزندان قاتلین آن حضرت می‌گیرد.

البته برای کسانی که با معارف اعتقادی اسلام آشنایی ندارند، پذیرش این مطلب سنگین است که کسانی به خاطر کار پدران خود، مورد عذاب الاهی قرار گیرند، عبدالسلام هر وی از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: نظر شما درباره سخن امام صادق علیه السلام چیست که فرمود:

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ قَتَلَ ذُرَارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ بِفِعَالٍ آبَائِهِمْ».

وقتی قائم علیه السلام ظهور کند، فرزندان کشتندگان حسین علیه السلام را (به سبب اعمال پدرانشان) به قتل می‌رساند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: همین طور است (مطلب همان‌گونه است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند).

هروی می‌پرسد: پس منظور آیه قرآن چیست که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾<sup>۱</sup>؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

خداوند در همه گفتارهایش راست فرموده است، ولی فرزندان کشتندگان حسین علیه السلام به اعمال پدران خود راضی هستند، و به آن افتخار می‌کنند. و هر کس به انجام چیزی راضی و خشنود باشد، مانند کسی است که آن را انجام داده است تا آنجا که اگر کسی در مشرق کشته شود و فرد دیگری در مغرب به کشتن او راضی باشد، رضایت دهنده نزد خدای عزوجل، شریک قاتل محسوب می‌شود، و حضرت قائم علیه السلام وقتی ظهور می‌فرماید، صرفاً بدلیل رضایت آنها به عمل پدرانشان، آنها را به قتل می‌رساند.<sup>۲</sup>



۱. انعام (۶): ۱۶۴. «هیچ کس بار (عمل) دیگری را بدوش نمی‌کشد».

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳.

نیایش فورشید

یونس بن عبدالرحمان روایت کرده که : حضرت رضا علیه السلام به این دعا  
برای صاحب الامر ارواحنا فداه امر می فرمود :

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ  
عَنكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ  
الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ الْعَابِدِ عِنْدَكَ ، وَأَعِذْهُ مِنِّي شَرِّ جَمِيعِ مَا  
خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ ، وَاحْفَظْهُ مِنِّي بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ  
وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُضِيعُ  
مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ .

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ ، وَاجْعَلْهُ فِي  
وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَفِي جِوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ  
الَّذِي لَا يُقْهَرُ ، وَآمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ ،  
وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ  
وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ  
وَغَادٍ مَنْ غَادَاهُ وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَحُفَّهُ بِالمَلَائِكَةِ حَقًّا .

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَأَظْهِرْ بِهِ  
 الْعَدْلَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَقَوِّ  
 نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَدَمِّدْ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّهَ وَاقْتُلْ بِهِ  
 جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمَدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ  
 الْبِدْعِ وَمُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ وَمُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَأَبِرْ بِهِ  
 الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا  
 وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً.  
 اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَخِي  
 بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ  
 وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً  
 صَاحِحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ  
 وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ  
 عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَاضْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ  
 الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.  
 اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً  
 وَلَا أَتَى حَوْباً وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ  
 حُرْمَةً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي  
 الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ.  
 اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ  
 بِهِ عَيْنُهُ وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبِهَا

وَبَعِيدَهَا وَعَزِيْزَهَا وَذَلِيْلَهَا حَتَّى تُجْرِي حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ .

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيْقَةَ الْوُسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي وَيُلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَثَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ .

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَأَعِدَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَلَا تَسْتَبْدِلُ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَخُزَّانُ عِلْمِكَ وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَدَعَائِمُ دِينِكَ وَوُلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

### زیارت صاحب الامر عجل الله فرجه در حرم مطهر رضوی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ الرَّحْمَانِ ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاطِعَ الْبُرْهَانِ ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ  
الطَّيِّبِينَ ، وَأَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

ضیاء الصالحین ، ص ۲۴۳

### دعاء فرج در زیارت مولا علی بن موسی الرضا علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ ، صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً ،  
تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ ، وَتَنْصُرُهُ بِهَا ، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

کامل زیارات ، ص ۵۱۷

## فهرست آیات

- ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾ ..... ۹۲
- ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا...﴾ ..... ۱۱۱
- ﴿أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ ..... ۲۰
- ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾ ..... ۷۲
- ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ..... ۳۷
- ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ ..... ۶۵
- ﴿فَاعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا...﴾ ..... ۸۹
- ﴿فَانظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ ..... ۷۶
- ﴿فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾ ..... ۴۲
- ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾ ..... ۴۲
- ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ ..... ۶۶
- ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا...﴾ ..... ۷۷
- ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾ ..... ۷۸
- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ ..... ۶۹
- ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ ..... ۶۷



- ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ...﴾ ..... ۸۴
- ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ...﴾ ..... ۸۵
- ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ ..... ۱۲۶
- ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ...﴾ ..... ۱۱۶
- ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ ..... ۴۹
- ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ ..... ۴۳
- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ...﴾ ..... ۷۲
- ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ...﴾ ..... ۶۹



## فهرست روایات

- أَتَقَى النَّاسِ ..... ٤٧
- أَحْكَمَ النَّاسِ ..... ٤٧
- أَحْلَمَ النَّاسِ ..... ٤٧
- إِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ ..... ١١
- إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَتَلَ ذُرَّارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفِعَالٍ أَبَائِهِمْ ..... ١٢٦
- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ ..... ١٢٠
- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَا مُرُّ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ ..... ١٢٢
- أَعْبَدَ النَّاسِ ..... ٤٧
- أَعْلَمَ النَّاسِ ..... ٤٧
- أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ ..... ١٢٠، ١١٧
- أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ ..... ١٤
- الإمامُ البدرُ المنيرُ ..... ٢٥
- الإمامُ الماءُ العذبُ عَلَى الظَّمَاءِ ..... ٢٦
- الإمامُ ... الوالدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ ..... ٢٧

- ٢٥..... الإمام كالشمس الطالعة المجللة نورها للعالم
- ٢٧..... الإمام يهدي إلى القرآن، والقرآن يهدي إلى الإمام
- ١٢٥..... ألا وإن الراضين بقتل الحسين عليه السلام شركاء قتلته
- ٢١..... اللهم أصلح عبدك وخليفتك بما أصلحت به أنبياءك
- ٦٧..... اللهم... ولا تُسِنَا ذِكْرَهُ.....
- ٧٦..... أليس إنتظارُ الفرجِ مِنَ الفرجِ؟.....
- ١٠٧..... أنا صاحبُ الأمرِ ولكني لستُ بالذي أملاها عدلاً
- ١٢..... إنا غيرُ مُهمِلينَ لمُراعاتِكُمْ ولا ناسينَ لِذِكْرِكُمْ
- ٩٢..... إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلَكُمُ بِالتَّقِيَّةِ.....
- ١٢٤..... إِنْ يَوْمَكُمُ فِي القِصَاصِ لِأَعْظَمُ مِنْ يَوْمِ مِخْتِكُمْ
- ١٤..... أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا، وَأَوْسَعُكُمْ رَحْمًا
- ١٤..... آه! آه!... شوقاً إلى رؤيته
- ٧٠..... بِأبي مَنْ لَيْلُهُ يَزْعَى النُّجُومَ سَاجِداً وَرَاكِعاً
- ١٠٥، ٤١..... بِأبي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي وَشَبِيهِي وَشَبِيهَ مُوسَى
- ٩١..... حِفْظُ اللِّسَانِ وَلُزُومُ البَيْتِ
- ٦٦..... حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلِينَا رَفِيقاً لِلنَّبِيِّينَ
- ٨٠..... الدُّعَاءُ مُخُّ العِبَادَةِ.....
- ٤٦..... دَلَالَتُهُ فِي خَصَلَتَيْنِ: فِي العِلْمِ وَاسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ
- ذِرْوَةُ الأَمْرِ وَسِنَامُهُ وَمِفْتَاحُهُ وَبَابُ الأَشْيَاءِ وَرِضَا الرَّحْمَانِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ
- مَعْرِفَتِهِ.....
- ٧٣.....
- ١٠٥..... الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الإِمَاءِ.....

- رأیی لکم تبع ..... ۷۱
- رجلاً خفی المولد والمنشأ غیر خفی فی نسبه ..... ۱۰۳
- السلام علی الدین المأثور ..... ۶۴
- السلام علی وارث الأنبياء ..... ۳۸
- شیعتنا المسلمون لأمرنا، الأخذون بقولنا ..... ۶۸
- الصلاة قد حضرت ..... ۵۸
- طوبی لشیعۃ قائمینا المنتظرین لظهوره فی غیبه ..... ۷۳
- طوبی لمن أحبه ..... ۱۰۲
- طوبی لمن قال به ..... ۱۰۲
- طوبی لمن لقیه ..... ۱۰۲
- علامته أن یكون شیخ السن، شاب المنظر ..... ۳۵
- علیه جلابیب النور یتوقد من شعاع القدس ..... ۳۵
- فإذا خرج أشرق الأرض بنور ربها ..... ۱۲۱
- فلیعمل کل امرئ منکم بما یقرّب به من محبتنا ..... ۷۸
- کلهم نور واحد ..... ۱۳
- کن محباً لآل محمد وإن كنت فاسقاً ..... ۶۸
- الکھف الحصین و غیاب المضطر المستکین ..... ۲۸
- لئلا یكون فی عنقه لأحد بیعة إذا قام بالسیف ..... ۱۱۱
- لا بد من فتنۃ صماء صیلم، تسقط فیها کل بطانۃ و ولیجۃ، ..... ۵۱
- لا یرى جسمه ولا یسمى باسمه ..... ۱۰۴
- لا یهرم بمرور الأيام واللّیالی ..... ۳۴

- لَنَا أَعْيُنٌ لَا تُشْبِهُ أَعْيُنَ النَّاسِ ..... ٤٥
- لَوْ أَدْرَكَتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي ..... ١٥
- لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا  
كَمَا مِلْتُ جَوْرًا ..... ١١٨
- مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ! ..... ٨٨
- الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ ..... ٩٢
- مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً ..... ١١٩
- مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ الَّذِي يَسْطَعُ رِيحُهُ وَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا ..... ١٠٢
- مُضْطَلِعٌ بِالْإِمَامَةِ ، عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ ..... ٤٥
- مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى ..... ٧٠
- مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ ..... ١٤
- مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ ..... ٧٩
- مَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا ..... ٨٩
- مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ أَيْمَتَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً ..... ٦٣
- نُصَلِّي وَنُعُودُ ..... ٥٨
- وَكَثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ ..... ٨١
- وَالدَّالُّ عَلَى الْهُدَى ..... ٢٧
- وَاللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا ..... ١١١
- وَاللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ ..... ٩٠
- وَاللَّهُ ... وَمَا الْخَبَاءُ؟ قَالَ : التَّقِيَّةُ ..... ٩٠
- وَأَكْفَ النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ ..... ٤٨

- وَتَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ ..... ۳۴
- وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ ..... ۵۲، ۱۹
- وَلَا كَيْوَمٍ مِجْحَتِنَا بِكِرْبَلَاءَ ..... ۱۲۴
- وَلَكِنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الَّذِي ... قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ ..... ۴۷
- وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ ..... ۷۲
- وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ ..... ۱۳
- وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْغَلِيظُ ..... ۴۴
- وَمَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ ..... ۱۰۲
- وَنُصِرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ ..... ۹۵
- وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ ..... ۱۰۸
- وَيَكُونُ دَعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا ..... ۴۶
- هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟ ..... ۷۸
- هُمُ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا ..... ۷۳
- هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ ..... ۳۵
- هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ ..... ۱۰۳
- يَا خُزَاعِي! نَطَّقَ رُوحَ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَدْيِ الْبَيْتَيْنِ ..... ۳۲
- يَا دَعْبِلُ! الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي، وَ ..... ۱۰۵
- يَا سُلَيْمَانَ، الدُّخُولُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَالْعَوْنُ لَهُمْ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ عَدِيلُ  
الْكَفْرِ ..... ۶۹
- يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ ..... ۹۲
- يَبْعَثُ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِنَّا خَفِيِّ الْمَوْلِدِ ..... ۳۴

- ۱۲۱..... يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ
- ۱۰۸..... يُغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِرِّهِ مَا شَاءَ.....
- ۱۰۲..... يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ.....
- ۴۷..... يَكُونُ آخِذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُهُ بِهِ.....
- ۴۸..... يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.....
- ۱۰۲..... يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ.....



## منابع

- ۱ - قرآن کریم
  - ۲ - اثبات الهداة
  - ۳ - أفتاب در غربت
  - ۴ - الاحتجاج
  - ۵ - انتظار بذر انقلاب
  - ۶ - بحار الأنوار
  - ۷ - تفسیر عیاشی
  - ۸ - تفسیر قمی
  - ۹ - تفسیر نورالثقلین
  - ۱۰ - جمال الأسبوع
  - ۱۱ - روزگار رهایی (ترجمه يوم الخلاص)
  - ۱۲ - عیون أخبار الرضا علیه السلام
  - ۱۳ - غرر ودرر
  - ۱۴ - الکافی
  - ۱۵ - کتاب الغیبه
- شیخ حرّ عاملی  
بنی هاشمی، سید محمد  
طبرسی  
تاجری، حسین  
مجلسی، محمدباقر  
عیاشی  
قمی، علی بن ابراهیم  
ابن جمعه  
سید بن طاووس  
مهدی پور، علی اکبر  
شیخ صدوق، محمد بن علی  
آمدی، انتشارات دانشگاه تهران  
کلینی، محمد بن یعقوب  
نعمانی



- ۱۶ - کمال الدین و تمام النعمه  
شیخ صدوق
- ۱۷ - مفاتیح الجنان  
قمی، شیخ عباس
- ۱۸ - مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم  
موسوی اصفهانی
- ۱۹ - منتخب الأثر  
صافی گلپایگانی، لطف الله
- ۲۰ - وسایل الشیعه  
شیخ حرّ عاملی



*Sunlight in the words  
of the Sun*